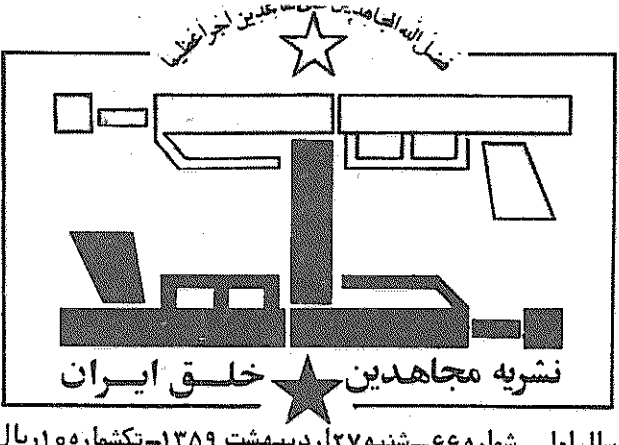


علیرغم اجازه ای انجمن نظارت مرکزی تهران به نمایندگی ما برای بررسی کارتهای ابطال شده، فرماندار تهران مانع از انجام این کار توسط نمایندگان ما گردید. در صفحه ۷



سال اول - شماره ۶۶ - شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۹ - تک شماره ۵۰۰ ریال

- نامه‌ی مدیریت سابق دانشگاه تهران
- گزارش سمینار انقلاب فرهنگی
- سالگرد شهادت مجاهد شهید حسین کرمانشاهی اصل را گرامی بداریم.
- نگاهی به اخبار و رویدادها
- در شهرستان‌ها چه می‌گذرد...؟

۸ صفحه

## انتخابات

### شکست یا پیروزی؟

براستی هم وقتی دروغ و تقلب نهایتاً نمی‌تواند توده‌ها را بفریبند، چه باک که نیروهای باز هم این حقیقت را در صحنه‌ی اجتماعی و سیاسی ما به آزمایش بگذارند. چه باک که با دست خود طومار اعتماد رویه تزلزل توده‌ها را به خودشان، درهم پیچند! چه باک!

از دیرزمان می‌دانستیم که مبارزه‌ی کنونی ما یک مبارزه‌ی درازمدت و طولانی است. مبارزه‌ی مکتبی، آگاهی‌بخش، رهائی‌بخش و ضدامپریالیستی. و اکنون دیگر به نظر می‌رسد که این خوش‌خیالی که در فروردی ۲۲ بهمن همه چیز پایان یافته و انقلاب به تمام و کمال به پیروزی رسیده‌است در بسیاری نیروها جای خود را به یک واقع‌گرایی سرسخت و انگارناپذیر داده‌باشد. آری، تا امحاء سلطه‌ی امپریالیستی و ایادی سازشکار و ارتجاعی آن منزل‌های بسیاری مانده‌است. مگر اینکه بخواهیم به ضرب دروغ و ریا و سالوس، از در انکار همه‌ی واقعیات درآمده و بدبختان به مجیزگوئی و قلب حقایق ملموس اجتماعی و سیاسی کنونی بپردازیم.

خیر، خواهان و برادران قانونمندیها و سنن الهی، لایتغیر و خدشه‌ناپذیرند. و ازین رو باز هم باید تلاش نمود تا در یک مبارزه‌ی بی‌امان و سرسخت که اکنون روشنگری و بسیج توده‌های انقلابی مقدم‌ترین موضوع آن‌است... سرانجام انقلاب را به پیروزی نهائی رساند. و اینجاست که می‌توان گفت آری، ضمن انتخابات (چه مرحله‌ی اول و چه مرحله‌ی دوم) به پیروزیهای بسیار بزرگی دست یافتیم. البته اگر معنی پیروزی بدست آوردن "کرسی" باشد خیر. اما اگر پیروزی را امروز در راستای روشنی و روشنگری صفوف و جبهه‌بندیهای مختلف ببینیم، آری. چرا که توانسته‌ایم بسیاری مشت‌ها را باز نموده و پرده‌ی دغل‌وریا و تهدید و ترور فکری و عقیدتی را کنار بزنیم. زیرا چه آنهایی که در انتخابات به نفع گاندیداهای ترقیخواه و انقلابی شرکت کردند و چه ملیونها تنی که در انتخابات (که در مرحله‌ی اول ماهیت آنها بر ملا نمودیم) شرکت ننموده و یا اساساً آن را شایسته‌ی شرکت ندیده‌بودند همگی گواهان آشکار محکومیت انحصارطلبی و آغاز پایان واپسگرایی هستند. اکنون بگذار تا عده‌ای جشن بگیرند که توانسته‌اند با تقلب‌های صدها هزاره‌ی از ورود گاندیداهای انقلابی به مجلس جلوگیری کنند. چه باک!

براستی هم وقتی دروغ و تقلب نهایتاً نمی‌تواند توده‌ها را بفریبند. چه باک که نیروهای باز هم این حقیقت را در صحنه‌ی اجتماعی و سیاسی ما به آزمایش بگذارند. چه باک که با دست خود طومار اعتماد رو به تزلزل توده‌ها را به خودشان، درهم پیچند! چه باک که ترس و وحشت عمیق خود را از ورود انقلابیون به مجلس با تبلیغات و تقلبات کذائی متظاهر کنند!

اینجاست که به واپسگرایان می‌گوئیم اگر پیروزی نفس تصاحب کرسی‌هاست، بفرمائید: مال شما! اما بدانید که چرخهای تاریخ به عقب بازمی‌گردد. بدانید که به تزلزل قرآن گفتن آنچه را بدان مومن و عمل‌کننده نیستند خشم خدا و همچنین مردم را باعث خواهد شد. و بدانید که...

و به همین دلیل به انقلابیون صدیق و همه‌ی مردم شریف و آگاهی که از اینان حمایت نمودند نیز بایستی تبریک گفت چرا که به درجه‌ای که توانسته‌اند ضمن همین بقیه در صفحه ۲

## در حاشیه‌ی انتخابات

در حوزه‌ی شماره‌ی ۹۲۳ - ۹۲۴ خیابان مولوی یک پاسدار مسلح در کنار صندوق ایستاده بود، یکی از افراد برای مراجعین رای می‌نوشت به محض ورود خبرنگار مجاهد بقیه در صفحه ۲

## گزارشی از: فعالیت ۱۵ ماهه امداد پزشکی مجاهدین خلق

حاکمیت دو بیست ساله - استعمارگران انگلیسی و امریکا - بی و حکومت پنجاه و چند ساله رژیم مزدور پهلوی بر میهن خونبار ما آثار و عوارض بسیار زیادی به جای گذاشته است و همان طور که بارها و بارها سازمان اشاره کرده است - رابطه‌های اسارت باری که مخصوص در عرض دوسه دهه‌ی اخیر امریکای جنایتکار با ما برقرار کرده است عامل و باعث هزاران هزار مشکل و بدبختی برای مردم میهن ما و بخصوص کارگران، کشاورزان و سایر زحمتکشان شهری شده است. مشکلات و معایبی که با اتخاذ شیوه‌های انقلابی و بسیج توده‌ی مردم از یک طرف و مبارزه‌ی همه جانبه -ی ضد امپریالیستی که منجر به قطع همه‌ی پیوندهای اقتصادی - سیاسی - اجتماعی - نظامی با امریکا گردد از طرف دیگر قادر به حل آن خواهیم بود در غیر این صورت شیوه‌هایی که در پیش خواهیم گرفت جز راه حل‌های مقطعی، رفرمیستی و صوری نخواهد بود. کما این که در ۱۵ ماهه‌ی بقیه در صفحه ۲

## کنفرانس مجدد به اصطلاح اسلامی پاکستان ادامه‌ی توطئه‌ی امپریالیسم در منطقه

شرکت در کنفرانس پاکستان، انحراف از مسیر مبارزه‌ی ضد امپریالیستی و قرار گرفتن در دام امریکاست.

همه به یاد داریم که وقتی کنفرانس به اصطلاح اسلامی ضد امپریالیست و انقلابی در بهمن ماه ۱۳۵۸، نماینده‌ی پاکستان شرکت کرد، موج علیه آن برخاست. اما شورای - وزارت امور خارجه‌ی ایران در مخالفتی از سوی تمام نیروهای بقیه در صفحه ۳

## نامه‌ی عده‌ای از خانواده‌های شهیدای ترکمن

بسمه تعالی  
۵۹/۱/۲۴  
جناب آقای بنی صدر ریاست - جمهوری اسلامی ایران  
در نهایت اضطراب مستحضر می‌داریم. همه می‌دانند که در درگیری‌های اخیر شهر گنبد - قابوس که منجر به تخلیه‌ی شهر توسط ترکمنهایی که در منطقه‌ی تحت سلطه‌ی پاسداران و دیگر افراد مسلح آنان نبودند گردیده است ولی سرپرستان شهید ما که به علت اینکه در هیچ دارو دسته‌ای نبودند با خاطری آسوده به منظور حفاظت خانه و حاصل یک عمر زندگی خویش که به وسیله‌ی سنگرهای پاسداران در محاصره بود. در خانه‌ها مانده‌اند، لیکن در کمال تأسف سرپرستان و نان - آوران ما به شرح زیر:  
۱- تقی بلخانی ۳۲ ساله کارمند بهداری (شیرخورشید).  
۲- ارجیک انبیا ۵۱ ساله کارمند بانک ملی.  
۳- عبیدی فرینجیک ۶۲ ساله، کاسب.  
۴- سرپرست، نان خور پنج نفر خان محمد جعفریای ۶۵ ساله کاسب.  
بقیه در صفحه ۲

## تاسیه روی شود، هر که در او غش باشد

به دنبال چاپ مطلبی درباره‌ی اخراج عناصر انقلابی از هوایمائی ملی ایران "هما" روابط عمومی "هما" طی ادعائیه‌ای که در روزنامه‌ی جمهوری اسلامی (۲/۹) به چاپ رسیده، به این مطلب جواب داده است. ما ضمن چاپ ادعائیه‌ی آنها آخوندی و خسرو ضیائی (سز روشن‌تر، توضیح چند نکته را بی‌مناسبت نمی‌دانیم. ۱ - "روابط عمومی هما" با استناد به فرم‌های استخدامی زمان شاه، چنین وانمود کرده که گویا من (سیدی) نظر مساعدی در عملکرد آن دسته از مسئولین روابط عمومی هما اگرچه ادعائیه‌ی شمارادر روزنامه‌ی جمهوری دیدیم، عملکرد آن دسته از مسئولین

## مردم گرائی توحیدی و مردم گرائی مبتذل

### عملکرد مردم گرائی توحیدی در قلمرو سیاسی اجتماعی

شکل سیاسی، که بیانگر تاکید بر نقش عنصر مردم و حاکمیت آنهاست، همانا "شورا" می‌باشد. به عبارت دیگر شورا به مثابه‌ی تنها فرم سیاسی مناسب برای تحقق اهداف آرمانی، دقیقاً با محتوای مردم‌گرای فلسفه‌ی توحیدی سازگار بوده و از آن سرچشمه می‌گیرد. از نقطه‌نظر این ایدئولوژی، مردم جملگی خلیفه و جانشین خدا در زمین‌اند و هیچکس نمی‌تواند حاکمیت و حق تعیین سرنوشت آنها را نقض نماید. بنابراین فرم اداری جامعه در یک نظام مبتنی بر ایدئولوژی اسلام در هر شرایط تاریخی "شورا" می‌باشد. در قرآن روی مسالهی شورا تا آنجا تاکید شده که سوره‌ای به همین نام (شوری) نامگذاری شده‌است. در آیه‌ی ۲۷ این سوره رعایت اصل "شورا" در حل و فصل امور به عنوان یکی از ویژگی‌های گروهندگان به پروردگار جهان و در ردیف حاکمیت و حق تعیین سرنوشت آنها را نقض نماید.

### الف - بازتاب مردم گرائی توحیدی در شکل سیاسی اداره‌ی جامعه (اصل شورا)

در بحث‌های گذشته، به تفصیل محتوای مردم‌گرایانه‌ی ایدئولوژی اسلام را تشریح نمودیم. این محتوا لزوماً بایستی در یک شکل سیاسی متناسب تجلی پیدا کند. این

با توجه به رابطه‌ی ارگانیکی که میان هر نظرگاه ایدئولوژیک و عمل اجتماعی وجود دارد، روشن می‌شود که دیدگاه مردم‌گرایانه‌ی توحیدی در حیطه‌ی موضع‌گیری‌های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی دارای عملکردهای خاص خود می‌باشد. لذا اگر به مردم‌گرائی توحیدی معتقدیم بایستی در عمل سیاسی و خطوط و تصمیمات تاکتیکی و استراتژیکی ما، خود را نشان دهد. در غیر اینصورت دم‌زدن از "مردم" و "توده" یک شعار توخالی و بی‌محتواست. پس ببینیم این اعتقاد در قلمروهای فوق چه کارکرد و نقشی دارد.

بقیه از صفحه اول

# در حاشیه انتخابات

پاسدار مزبور به فردی که در حال پرکردن کارت‌های اکتراک مراجعین بوده است می‌گوید ننویس تا اینها بروند.

— حوزه ۹۸۶ — سه نفر از سران مسجد که هیچ مسئولیتی در رابطه با انتخابات نداشتند ناظر بر تمام جریانات بودند، که به محض ورود یک خبرنگار، شخصی آنها را با نام‌های حاجی حمید و حاجی اخوان صدا کرد و گفت بیائید این طرف، وی می‌خواست طوری وانمود کند که قصیه‌ای در بین نبوده و آنها اتفاقی در این حوزه اجتماع کرده‌اند، در این حوزه نماینده فرمانداری حضور نداشت، شخصی به نام احمدآقا مسئول نوشتن رای برای مردم بود، ضمناً تعدادی کارت اکتراک پر شده در دست یکی از ناظرین دیده می‌شد که به مردم می‌داد.

— حوزه ۱۰۰۱ — حسینیه کربلائی‌ها در خیابان ۱۵ خرداد در این حوزه اکثر مراجعین عرب زبان بودند که احتمالاً کربلائی و عراقی بودند، لیست ائتلاف بزرگ روی میز بود و روی یکی از پوسته‌های عکس‌دار وزارت کشور اسم مسعود رجوی را خط کشیده بودند.

— حوزه ۹۸۶ — در مقابل درب ورودی حوزه پاسداری از ورود یک خبرنگار به داخل حوزه جلوگیری کرده و می‌گوید، چند لحظه‌ای صبر کنید در همین اثنا یک نفر به طور نا-شناس به داخل حوزه می‌رود و مشاهده می‌کند که آنها در حال کندن پوسته‌های ائتلاف بزرگ هستند.

— در میدان آزادی، عکس‌های مسعود رجوی را از روی پوسته‌های انتخاباتی وزارت کشور که بر روی دو اتوبوس سیاررای گیری نصب گردیده بود کنده بودند.

— در حوزه ۹۸۲، کمیته‌ی هرندی دروازه غار و حوزه‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ مسجد المهدی در دولت آباد عکس‌های مسعود رجوی از پوسته‌های انتخاباتی

وزارت کشور حذف گردیده بود — در حوزه‌های مناطق آپادانا و اطراف آن کارت اکتراک قبل از پایان ساعت رای‌گیری تمام گردیده بود و بدین خاطر حوزه را تعطیل اعلام کرده و مردم را به حوزه — های دیگری فرستادند که البته آن حوزه‌ها هم از نظر اکتراک کمبود داشتند. عده‌ی زیادی با برخورد با این گونه مسائل دلسرد شده و قید رای دادن را می‌زدند.

یکی از مسئولین حوزه در این مورد گفت: بر اساس تعداد رای مراحل قبلی ما در این حوزه حدود ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ رای داشتیم، ولی وزارت کشور این دفعه به ما برای بار اول ۱۲۰۰ کارت برای بار دوم ۵۰۰ کارت اکتراک داد. که این کمبود کارت اکتراک از طرف مردم مورد اعتراض واقع گردید.

— یکی از خبرنگاران مجاهد که برای تهیه گزارش به حوزه‌ی شماره ۲۵۸ منطقه شهرک مسعودیه مراجعه می‌کند پس از عکس‌برداری از پوسته‌های انتخاباتی وزارت کشور که عکس‌مسعود رجوی از روی آن بریده شده بود، توسط پاسداران کمیته‌ی منطقه ۱۰ ستاد ۹ دستگیر و به کمیته برده می‌شود. سپس وی را به کمیته‌ی سعدآباد برده و بعد از بازرسی آزاد می‌کنند.

— یکی دیگر از خبرنگاران مجاهد برای تهیه گزارش از حوزه‌های انتخاباتی به حوزه‌ی شماره ۱۸۰۲ واقع در نازی-آباد خیابان وطن مسجد زینب کبری مراجعه می‌کند. در این حوزه پس از اینکه یکی از مسئولین حوزه اجازه تهیه گزارش به این خبرنگار می‌دهد، یکی از اعضای هیئت نظار با تهیه گزارش مخالفت می‌کند که در آخر منجر به دخالت پاسداران و دستگیری وی توسط کمیته‌ی منطقه‌ی ۱۳ می‌گردد. در دو مورد دیگر هم خبرنگار مجاهد رادستگیر کرده بودند.

\*\*\*

این نهاد از آغاز کار خود در جنب ستاد سازمان در بازرسی شاهنشاهی سابق در حد کمک‌های اولیه، تزریقات و پانسمان با یک داروخانه‌ی محدود شروع به کار کرد. از اولین کارهای خواهران و برادران ما تحویل گرفتن کمک‌های درمانی از مردم، تفکیک داروها و امکانات پزشکی و آماده نمودن تیم‌های سیار پزشکی جهت ارسال به جنوب شهر بود. تیم‌های سیار با امکانات اندکشان مورد استقبال شدید قرار گرفتند و این حاکی از نیاز شدیدی بود که تک تک رازغنه‌شنان احساس می‌کردند. ولی به خصوص در



امداد پزشکی مجاهدین: در خدمت محرومان و زحمتکشان

این مورد ما چیزی جز آنچه را که خود مردم در اختیار ما می‌گذاشتند نداشتیم، که نثارشان کنیم و هنوز هم نداریم ولی با توجه به شدت نیازها ما بر کوشش‌هایمان جهت جمع‌آوری امکانات و بالابردن کمیته و کیفیت خدمات قابل ارائه افزودیم و در همین مسیر به دنبال مکان‌هایی بودیم تا با استقرار شدن در آن کیفیت کارمان را بالا ببریم.

با انتقال ستاد سازمان به بنیاد پهلوی سابق کار ما هم وسعت بیشتری یافت ما در داخل ساختمان توانستیم یک مرکز درمانی ساده شامل اطاق پزشک، تزریقات و پانسمان، داروخانه و ۲ اطاق برای بستری شدن بیماران تدارک ببینیم و مدتی بعد هم یک دندانپزشکی مجهز در آنجا دایر شد. تیم‌های سیار ما با کیفیت جدید و به شکل گسترده‌تری کار خود را ادامه

شده و با آنها همکاری می‌نمودند در حقیقت به شکل واحدهای پزشکی خود جوش در آمده بودند و علیرغم امکانات محدودشان از کیفیت نسبتاً خوبی برخوردار بودند.

تیم‌های سیار پزشکی ما نیز همراه با خواهران و برادران جهاد سازندگی که جهت کمک به روستاها و برداشتن محصول به ده می‌رفتند با تجهیزات مورد نیاز عازم روستاها می‌شدند.

همچنین زمانی که دانشجویان و دانش‌آموزان تحت سازماندهی مشخص جهت کمک به روستائیان و ساختن راه، مسجد، حمام، لوله‌کشی آب و ... در تعطیلات تابستان به آن مناطق اعزام شده بودند، اکیپ‌های سیار پزشکی ما مراقبت از وضع درمانی و بهداشتی این اردوها را عهده‌دار بودند.

(ادامه دارد)

# گزارشی از فعالیت...

گفته شده مشکلاتی از قبیل گرانی، محن، بیکاری، کمبود آرزاق عمومی، فساد، اعتیاد و امثالهم به دلیل کوتاه نکردن دست سرمایه‌داری وابسته و گام بر نداشتن در جهت ایجاد یک اقتصاد سالم و غیروابسته، نه تنها حل نشده بلکه در بسیاری از موارد پیچیده‌تر و مشکل‌تر هم شده است البته ما در اینجا بر آن نیستیم که به بررسی ریشه‌های این مسائل و روش‌های حل آن بپردازیم، اگرچه خود این مساله در خور بحث و گفتگو است که تلاش خواهیم کرد در جای خود به آن بپردازیم. به هر حال بعد از سقوط رژیم شاه زحمتکشان میهن ما انتظار داشتند که مبرمترین و عاجل‌ترین مسائل زندگی آنها با فوریت بیشتری حل شود. مسائلی از قبیل نان و گوشت و دکترا و دوا و ... و خود نیز حاضر بودند در این راه‌ها گونه یاری و همکاری با مسئولین امر بنمایند و این یک گزافه‌گویی نیست. کارنامه‌ی انقلابی توده‌های ما این مساله را نشان می‌دهد. خودیاری و فداکاری مردم در زمان حکومت دکتر مصدق و یا در جریان مبارزات اخیر مردمان گواه این حقیقت است.

سازمان ما پس از انقلاب در عین حال که حل قاطع این مسائل را در قطع کامل دست ایادی امپریالیسم از میهنمان می‌دید در عین حال در جهت نزدیکی بیشتر به توده‌ی مردم و آموزش انقلابی آنها و نیز در جهت حل مسائل روزمره‌شان به کمک آنها شناخت البته همانطور که در این گزارش هم خواهیم دید سهم ناچیز ما در این مورد در پرتو امکاناتی بوده است که خود مردم در اختیار ما قرار داده‌اند.

به این ترتیب در ۱۵ ماه گذشته سازمان بخشی از نیروهای خود را در زمینه‌های مختلفی از جمله خانه‌سازی، کانال‌سازی در روستاها، امداد به سیل‌زدگان، زلزله‌زدگان و امداد پزشکی بسیج کرده است.

ما قبلاً گزارشی از اردوهای سازندگی سازمان، به پیشگاه خلقمان تقدیم کردیم و اکنون نیز گزارشی کوتاهی از بخشی از فعالیت‌های پزشکی ۱۵ ماهه خود را ارائه می‌دهیم.

**بهداشت یکی از اساسی‌ترین مشکلات مردم**

همانطور که می‌دانیم کشور ما به لحاظ امکانات پزشکی و دارویی به شدت در مضیقه است و به دلیل حاکمیت سیستم‌های طبقاتی، امکانات محدودی هم که در این زمینه بوده است فقط صرف طبقات مرفه جامعه شده و در نتیجه زحمتکشان میهن ما همواره از عدم تامین بهداشت و درمان رنج برده‌اند. بالا بودن درصد مرگ و میر در روستاها و مناطق فقیرنشین شهرها ناشی از بیماری‌های سهل‌العلاج بهترین گواه بر این مدعاست. به هر حال در رابطه با این مساله بود که امداد پزشکی مجاهدین خلق بلافاصله پس از سقوط رژیم منحط پهلوی وبا آغاز فعالیت علنی سازمان کار خود را شروع کرد، فعالیت امداد پزشکی در حقیقت جزئی از فعالیت اجتماعی سازمان ما بود که با توجه به نیازهای مبرم توده‌های محروم ضروری می‌نمود.

بر این اساس تصمیم گرفتیم تا ضمن بسیج امکانات درمانی خود و به خدمت گرفتن آن جهت استفاده عمومی مردم بخش هر چند کوچکی از مشکلات عظیم درمانی آنها را از دو سن برداریم. رسیدن امکانات پزشکی از طرف مردم و مراجعی مکرر پزشکان و متخصصین مختلف به ما جهت همکاری به خصوص با توجه به نیاز به بسیج امکانات پزشکی در مقابل اتفاقات احتمالی پس از انقلاب، ما را در شکل‌گیری این مجموعه‌ی درمانی مصمم‌تر کرد.

**شروع فعالیت امداد پزشکی**

بدان آلوده نیست، مجری می‌گردد اینک ناگزیر مصرا" از محضر آنجناب طلب می‌کنیم که در چارچوب دین مبین اسلام، عاملین فجایع اخیر و قاتلین مطلقاً کافر سررستانمان را هرچه زودتر معرفی و محاکمه و به قصاص برسانند. تا بلکه بتوانیم با اجرای صحیح عدالت اسلامی آلام سوزناک و زندگی برانداز خودمان را تسکین و قلوب مجروح و تیکه پاره شده را حتی راضی و قانع نماییم.

جناب آقای رئیس جمهور تورا به آنچه که مومن و معتقد هستیم، قسمت می‌دهیم ترتیبی فراهم آورید که ضجه‌های دلخراش و ناله و شیون‌های جگرسوز اطفال یتیم‌مان که

هر آن پدر می‌طلبند، ناداست نوازش به سرشان بکشند و از مهر محروم شده‌ی پدر سیراب گردند، تا ابد تو را همراه و همزاد نباشند. انشالله، چشم انتظار اقدام و قصاص هستیم.

خانواده‌های شهیدای ترکمن

۱- بانوان بی‌بی زحمت-کش، همسر شهید عبدی قرینجیک.

۲- بانو خوجه بی‌بی معادل، همسر شهید ارجیک انبیا.

۳- خویبی بی‌بی همسر شهید خان محمد جعفریای

۴- نورتاج آخوندی، همسر شهید محمد بلخانی

۵- آنه همسر شهید تاج محمد زحمتکش، در گومیشان سکونت دارند.

بقیه از صفحه اول

**نامه‌ی عده‌های...**

سرپرست، نان خور سه نفر

۵- تاج محمد زحمتکش ۲۸ ساله، کارمند آموزش و پرورش سرپرست، نان خور سه نفر که در ساعت ۹ صبح روز ۵۸/۱۱/۲۳ در منزل تقی بلخانی شهید همسایه به صرف جای و صبحانه مشغول بودند ناگهان عده‌ای مسلح نقابدار وارد خانه شده و بی‌چون و چرنا رنجگی را روشن‌وبه دامن پیرمرد ۶۵ ساله انداخته و خارج می‌شوند و سپس همین مهاجمین پس از انفجار دوباره داخل خانه گردیده و اجساد مرده و یانیمه جان آنان را به رگبار می‌بندند و حتی به این کار هم اکتفا نکرده، به طور

جنون آمیز کلیه‌ی دربه‌ها و پنجره‌های ساختمان و بخیال و تلویزیون و رادیو لوازم شکستی را به گلوله بسته و اسباب و اثاثیه‌ی سوختنی را سوزانده و فاتحانه و سرپرست تشریف می‌برند!! و به عبارت دیگر آمدند، کشتند، سوختند و رفتند!

هم‌اکنون بیش از دو ماه از این کشتار درخانه می‌گذرد که متأسفانه بر خلاف انتظار و قانون قصاص دین مبین اسلام راستین هنوز هم قاتلین شناسائی نشده و به کيفر اعمال گرفتار خود نرسیده‌اند، در حالی که با توجه به فلسفه‌ی اساس تاسیس و تشکیل دولت جمهوری اسلامی امداد بودیم که زودتر از این‌ها امر قصاص که بی شک دامن مارک

## انتخابات شکست یا پیروزی؟

تجارب توده‌های مردم را آگاه و بیدار کنند، فیروز بوده‌اند. به درجه‌ای که توانسته‌اند بفهمند و بفهمانند فیروز بوده‌اند... چرا که در آدمی "فهم" مقدمه‌ی هر خیزش و حرکتی است. بنابراین اگر قبل از هر چیز "فهم" را که مبنای آدمیت و انقلاب است معیار بگیریم، فیروزمند واقعی آن کسی است که توانسته است سنگرهای ناگشوده‌ی فهم شخصی و اجتماعی را بشکند. و برآستی که درگیر شدن در یک مبارزه‌ی تمام عیار عادلانه و حق‌طلبانه چه شیرین و شگوهمند است. فرازهای دیگر راه هم هنوز و هنوز در پیش است و بی‌تردید العاقبه للمتقين.

آری خواهران و برادران، مبارزه همین است و خستگی هم نمی‌شناسد.

# نامه‌ی پاسداران مستعفی شیروان

بسمه تعالی

در پی پرسشهای مکرر مردم مبارز شیروان درباره‌ی علت استعفای عده‌ای از سپاه پاسداران و همچنین شایعات بی‌اساس در رابطه با این مسئله علیرغم اینکه ما در این موقع حساس نمی‌خواستیم علت استعفای خود را عنوان کنیم ولی به علت شایعات زیاد مجبور شدیم آنچه در این مدت به ما گذشته با شما ملت عزیز در میان بگذاریم، قضاوت به عهده‌ی خود شماست

\*\*\*

پس از پیروزی انقلاب ما همچون برادران دیگر برای حفظ و حراست از دست‌آوردن‌های انقلاب اسلحه به دوش گرفتیم و در مکانی به نام کمیته آنچه در توانائی و قدرت ما بود رسالت خود را در قبال خون شهدا انجام دادیم تا اینکه در اواخر شهریورماه ۵۸ عده‌ای از تهران جهت تشکیل سپاه به شهرمان آمدند و بعد از تحقیقاتی که خودشان از مردم محل کرده بودند مسئولیت تشکیل سپاه را به عهده‌ی شورای فرماندهی که مورد تأیید مردم و افرادی که از تهران آمده بودند گذاشتند و ما چون این امر را وظیفه‌ی شرعی و مکتبی خود میدانستیم سپاه را با عضوگیری از برادران دیگر تشکیل داده و حرکت ما را در خط اصل انقلاب اسلامی ما تا آنجا که برای ما مقدور بود شروع کردیم چون ما به سپاه از این دید نگاه می‌کردیم که یک ارگان مردمی است و باید در جهت منافع مستضعفین قدم بردارد ولی بعد از گذشت چند ماه کم کم

عناصری می‌خواستند که اعمال- نفوذ کنند بدون اینکه مسئولیتی در سپاه داشته باشند ولی ما به حکم وظیفه‌ای که بر- عهده داشتیم و آن پاسداری از خون هفتاد هزار شهید است از این عمل جلوگیری می‌کردیم تا اینکه کم کم مخالفت‌ها با سپاه اوج گرفت و هرکاری که سپاه در جهت منافع این ملت رنجیده انجام می‌داد جلوگیری می‌شد و یا اینکه هر- حرف حقی زده می‌شد با اصطلاحاتی که امروزه معمول است:

ضدانقلاب - کمونیست - التقاطی - ضدروحانی و... به ما هم می‌زدند و با این جو تبلیغاتی مسموم بود که توانستند عده‌ای از برادران سپاه را تحریک نموده و بر علیه شورای فرماندهی مبنی بر اینکه اینها از خط امام خارجند و منحرف عملاً سپاه را فلج نمودند و ما احساس کردیم که دیگر کاری از ما ساخته نیست در این رابطه بود که با سپاه مشهد تماس گرفتیم ولی متأسفانه آنها هم تحت تأثیر همین عوامل قرار گرفتند و هیچ گونه اقدامی در این باره به عمل نیاوردند بلکه خود نیز در شورا اعمال نفوذ نمودند وقتی از طرف ما اعتراض شد اظهار داشتند که شورائی تواند درباری اقدام ما اظهار نظر کند و این با اصل اساسنامه سپاه مغایرت داشت چون باید تمام کارهای سپاه با نظام شورائی انجام می‌شد در این رابطه مسئولیت مستقیم متوجه ما بود و نمی‌توانستیم شاهد این همه اعمال قدرت و انحصارطلبی باشیم و دم زنینم چون با خون شهدا پیمان

سعودی تقریباً " به طور کامل ، متن قطعنامه‌ی نهایی کنفرانس پاکستان را تشکیل داد ( که لایه می‌دانیم عربستان هم اسلامی است! و هم ضد- امپریالیست!) قطع نامه ای که به نظر می‌رسد جز یک ماده‌ی مربوط به کمک های رسمی مالی ( که مقامات ایران گفتند در این مورد راساً خود ایران اقدام خواهد کرد)، مابقی تماماً" مورد امضاء ایران نیز قرار گرفته است . اگر چه بعداً" مقامات رسمی ایران خودشان را با یک قطعنامه‌ی فرعی مربوط به حمایت از انقلاب ایران به ویژه در قبال محاصره‌ی اقتصادی آمریکا دلخوش کردند گویانکه در همان قطعنامه نیز تلویحاً" موضع ایران در قبال گروگان- ها محکوم و به حل مسالمت- آمیز مسایل فی‌مابین ایران با آمریکا سفارش شده است این را هم ناگفته نگذاریم که معاون وزارت خارجه‌ی ایران در یک سخنرانی با چند توپ و تشر تو خالی، آمریکا را محکوم هم

بقیه از صفحه‌ی اول

جدیدی در منطقه است تا خلا- رژیم وابسته شاه را برکنند . اینک کمک‌های نظامی و اقتصادی که پاکستان در این مدت دریافت داشته است و نیز کمک‌های نظامی‌ای که به عربستان شده است، دیگر شکی نیست که امپریالیزم ، ضمن محاصره‌ی ایران توسط مهره‌های مسلح خود، پایگاه خود را نیز در منطقه مستحکم کرده است . پاکستان از آن پایگاههایی است که کمک نظامی و تسلیح رژیم‌های عربستان و پاکستان چگونه ارزیابی می‌کند؟ و سر- انجام بر اساس پاسخ هایی که به این سئوالات می‌دهد با چه مینا و اساسی در کنفرانس به اصطلاح اسلامی! پاکستان شرکت می‌کند؟ هر چند مقامات دولتی و خصوصاً مسئولین وزارت امور خارجه تاکنون توضیحی پیرامون ماهیت و عملکرد این کنفرانس ندادند اما ما خواهیم کوشید که ماهیت چنین کنفرانسی را برملا و

## کنفرانس مجدد به اصطلاح اسلامی! پاکستان ادامه‌ی توطئه‌ی امپریالیسم در منطقه

توانیم هم دم از مبارزه‌ی ضد- امپریالیستی بزنیم و خود را " کشور و ملتی بدانیم که بیش از همه‌ی کشورها و ملل دیگر پنجه در پنجه‌ی امپریالیزم افکنده‌ایم " و هم از سوی دیگر در توطئه‌های مسلم امپریالیزم شرکت داشته باشیم!

اکنون وقایع بسیاری از زمان برگزاری کنفرانس اول - پاکستان ، خصوصاً در رابطه با مبارزه‌ی خلق ما علیه امپریالیزم ، روح داده‌است و روز به روز آگاهی ملت‌های تحت سلطه‌ی امپریالیزم نسبت به ماهیت امپریالیزم آمریکا و عملکردهای آن اعتلا یافته است . از جمله قطع روابط سیاسی آمریکا با ایران و خصوصاً " تهاجم نظامی آمریکا به ایران ، چهره‌ی کریه و سبعانه‌ی امپریالیزم را به خلق ما نشان داد . از سوی دیگر در این مدت ارتباطات و مراودات رژیم دست نشانده‌ی پاکستان با امپریالیست‌ها رو به افزایش نهاده و چنانچه قبل ها به آن اشاره کرده‌ایم به صورت یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های امپریالیزم آمریکا و تهدیدی جدی برای انقلاب‌های منطقه در آمده است .

اکنون با کمال شگفتی مشاهده می‌شود که علیرغم تهاجمات روز افزون نظامی ، سیاسی و اقتصادی امپریالیست - ها علیه ایران ، علیرغم پیوستگی و وابستگی روبه تزايد رژیم های ارتجاعی پاکستان و عربستان به امپریالیزم و علیرغم نتایج اسف باری که نخستین کنفرانس پاکستان در رابطه با حمایت از مبارزات مردم ایران به دنبال داشت ، شورای انقلاب تصمیم گرفته است که وزیر امور خارجه‌ی خود را برای شرکت در چنین گرد همایی - که توطئه‌ی مسلم امپریالیزم است - اعزام دارد و در همین جاست که اصالت چنین مبارزه‌ی ضد امپریالیستی ای به طور مشخص مورد تردید قرار می‌گیرد .

درک و تصور مقامات مسئول ایران از رژیم پاکستان چیست؟ با چه دیدگاهی به رژیم عربستان می‌نگرد؟ رابطه - ی امپریالیزم آمریکا را با

توانیم هم دم از مبارزه‌ی ضد- امپریالیستی بزنیم و خود را " کشور و ملتی بدانیم که بیش از همه‌ی کشورها و ملل دیگر پنجه در پنجه‌ی امپریالیزم افکنده‌ایم " و هم از سوی دیگر در توطئه‌های مسلم امپریالیزم شرکت داشته باشیم!

اکنون وقایع بسیاری از زمان برگزاری کنفرانس اول - پاکستان ، خصوصاً در رابطه با مبارزه‌ی خلق ما علیه امپریالیزم ، روح داده‌است و روز به روز آگاهی ملت‌های تحت سلطه‌ی امپریالیزم نسبت به ماهیت امپریالیزم آمریکا و عملکردهای آن اعتلا یافته است . از جمله قطع روابط سیاسی آمریکا با ایران و خصوصاً " تهاجم نظامی آمریکا به ایران ، چهره‌ی کریه و سبعانه‌ی امپریالیزم را به خلق ما نشان داد . از سوی دیگر در این مدت ارتباطات و مراودات رژیم دست نشانده‌ی پاکستان با امپریالیست‌ها رو به افزایش نهاده و چنانچه قبل ها به آن اشاره کرده‌ایم به صورت یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های امپریالیزم آمریکا و تهدیدی جدی برای انقلاب‌های منطقه در آمده است .

اکنون با کمال شگفتی مشاهده می‌شود که علیرغم تهاجمات روز افزون نظامی ، سیاسی و اقتصادی امپریالیست - ها علیه ایران ، علیرغم پیوستگی و وابستگی روبه تزايد رژیم های ارتجاعی پاکستان و عربستان به امپریالیزم و علیرغم نتایج اسف باری که نخستین کنفرانس پاکستان در رابطه با حمایت از مبارزات مردم ایران به دنبال داشت ، شورای انقلاب تصمیم گرفته است که وزیر امور خارجه‌ی خود را برای شرکت در چنین گرد همایی - که توطئه‌ی مسلم امپریالیزم است - اعزام دارد و در همین جاست که اصالت چنین مبارزه‌ی ضد امپریالیستی ای به طور مشخص مورد تردید قرار می‌گیرد .

درک و تصور مقامات مسئول ایران از رژیم پاکستان چیست؟ با چه دیدگاهی به رژیم عربستان می‌نگرد؟ رابطه - ی امپریالیزم آمریکا را با



# مردم گرائی...

بقیه از صفحه اول

اقامی نماز ذکر شده است :  
 "والذین استجابوا للربهم  
 و اقاموا الصلوة و امرهم شوری  
 بینهم و ما رزقناهم ینفقون"  
 (و آنانکه احابت نمودند  
 پروردگار خویش را و نماز را بجا  
 داشتند و در امور خود با  
 یکدیگر شورا کردند و از آنچه  
 نصیبشان گردیده انفاق  
 می کنند)  
 در آیه دیگری خطاب  
 به پیامبر دستور داده شده که  
 با مردم مشورت نماید :  
 "فبما رحمة من الله لنت  
 لهم ولو كنت فظا غلیظ القلب  
 لانفضوا من حولک فاعف عنهم  
 و استغفر لهم و شاورهم فی الامر  
 فاذا عزمتم فتوکل علی الله ان  
 الله یحب المتوکلین" (آل-  
 عمران ۱۵۴)

وظیفه شما این است که مدام  
 به من آن حقها و تکالیفی را  
 خاطر نشان کنید که بر عهده ام  
 بوده و هنوز ادا نکرده ام ...  
 "فلا تکفوا عن مقاله بحق  
 او مشوره بعدل، فانی لست فی  
 نفسی بفقیر ان اخطی" مبادا  
 مرا رها کنید - فکر کنید نیازی  
 به گفتار حق شما ندارم،  
 احتیاجی به مشورت به عدل  
 شما ندارم. نه! من بالاتر از  
 این نیستم که اشتباه کنم،  
 خودم را اینطور نمی دانم که  
 اشتباهناپذیر باشم.  
 "والا لمن ذلک من قلی  
 الا ان یقفی الله من نفسی ما  
 هو ملک به منی" و من از این  
 قضیه در امان بسر نمی برم  
 (یعنی از نفس خودم آسوده  
 خیال نیستم) مگر آنکه خدا از  
 نفس من کفایت کند که او بر  
 آن تواناتر و مسلط تر از من  
 است.

"فانما انا و انتم عبید  
 ملوکون لرب لارب غیره" هم  
 من و هم شما بنده هائی هستیم  
 بنده ی خدائی که معبودی  
 بالاتر از آن نیست (بنابر این  
 هیچ تفاوت و برتری ذاتی ای بر  
 یکدیگر نداریم) ...  
 جوهر سخنان حضرت  
 علی در این مورد اینست که  
 فرد به تنهایی و بدون استفاده  
 از مشورت و نظرات دیگران  
 نمی تواند از خطا مصون بماند  
 و از پس حل مسائل بفرنج  
 جامعه برآید؛ و تنها در  
 چارچوب کارشورائی است که  
 توانائیها و خلاقیت تک تک  
 مردم (هرچقدر هم که ناچیز  
 باشد) به کار گرفته می شود و  
 در نتیجه نارسائیها و نواقص  
 به حداقل می رسد.  
 حال بینیم شورا و  
 نهادهای شورائی چگونه به این  
 نیاز پاسخ می دهند.

## شوراهای مردمی و کارکرد آنها

در دوران کنونی، شوراهای  
 نوعی شکل سازمان یافته ی  
 حاکمیت خودگردانی مردم در  
 سطوح و زمینه های مختلف است  
 نظیر شورای کارگران و کارکنان  
 یک کارخانه، دهقانان یک  
 واحد کشاورزی، دانش آموزان  
 و آموزگاران یک مدرسه،  
 سربازان یک پادگان و ... که  
 برای طرح و بحث مسائل و حل  
 و فصل امور محل کار خود و  
 اتخاذ تصمیم در مورد آنها و  
 سپس تقسیم کار به منظور  
 اجرای تصمیمات بوجود  
 می آیند. در واقع شوراهای  
 نطفه های قدرت توده ها هستند  
 این اسلوب که درست نقطه ی  
 مقابل روشهای استبدادی  
 مبتنی بر بوروکراسی و اطاعت  
 کورکورانه در سیستم های ضد  
 خلقی است، هدفش تشویق  
 ابتکار توده ها و توسعه ی کارائی  
 خود مردم از طریق شرکت  
 موثر آنان در اداره ی امور  
 خودشان است. از اینرو مفهوم  
 شورا مرادف باواژه ی دمکراسی  
 است. بلافاصله بایستی اضافه  
 کنیم که منظور ما دمکراسی  
 مردمی و انقلابی است نه

(پس در پرتو رحمت  
 خداوند، تو با ایشان به نرمی  
 برخورد کردی، و اگر سخت-  
 دل و بدخوی بودی، بدون  
 شک مردم از اطرافت پراکنده  
 می شدند، پس تو از آنها در-  
 گذر و برایشان آمرزش خواه و  
 در امور و کارها با آنها مشورت  
 بکن. پس چون تصمیم گرفتی،  
 دیگر به خدا توکل نما. خدا  
 توکل کنندگان را دوست دارد.)  
 شورا و شیوه ی کار  
 شورائی در عملکرد و سنت  
 پیامبر و سایر پیشوایان انقلابی  
 توحید به وفور به چشم  
 می خورد. همچنین در  
 نهج البلاغه به کرات روی مسأله  
 شورا انگشت گذاشته شده و  
 شیوه های مستبدانه مورد  
 نکوهش قرار گرفته است. به  
 عنوان مثال در خطبه ی ۲۵۷  
 حضرت علی (ع) خطاب به  
 مردم آن زمان چنین می گوید :  
 "لیس امر و ان عظمت  
 فی الحق منزلته، و تقدمت فی  
 الدین فضیله بفقیر ان یعان  
 علی ما حمله الله من حقه"  
 (یک فرد هم هر قدر که  
 منزلتش عظیم باشد و در دین  
 سابقه و برتری داشته باشد،  
 برتر از آن نیست که از کمک  
 شدن بی نیاز باشد)  
 "و لا امر و ان صغرته  
 النفوس و اقتحمته العیون  
 بدون ان یعین علی ذلک  
 اویعان علیه"  
 (همچنین یک فرد هر چه  
 کوچک باشد، هر قدر هم که  
 تحقیرش کند و در نظرها خوار  
 باشد، آنچنان نیست که  
 نتواند دیگری را برای ادای  
 حق یاری کند، یا او را یاری  
 نمایند.) در جای دیگر در  
 همین خطبه می گوید :  
 "وان من اسخف حالات  
 الولاه عند صالح الناس ان یظن  
 بهم حب الفخر"  
 (سخیف ترین حالات  
 رهبران در نزد مردم صالح  
 این است که به آنها گمان  
 جاه طلبی و خودخواهی و غرور  
 برده شود).  
 "و یوضع امرهم علی الکبر"  
 و امرشان را بر کبر (بی نیازی  
 از دیگران) بگذرانند. و چند  
 فراز بعد اضافه می کند :  
 "والیکم من البقیه فی  
 حقوق کم افرغ من ادائها، و  
 فرائض لابد من امضاها":

# نامه ی دو فروشنده ی "مجاهد" در تبریز

بسم خدا

حضور محترم استاندار آذربایجان شرقی  
 بدین وسیله به استحضار می رساند که اینجانبان حسن  
 سالاری و مصطفی دهقانی ساکن در کوی مجاهدین در بند  
 همت آباد جنب قهوه خانه ی مصری، جندی است که از طرف  
 افراد معلوم الحالی تهدید به قتل شده ایم و علت این  
 تهدید، فروختن روزنامه ی مجاهد می باشد. ما بدین وسیله  
 از شما می خواهیم که تکلیف ما را مشخص کرده و بگوئید که  
 آیا فروختن روزنامه ی که از طرف دولت رسمی، آزاد و  
 قانونی اعلام شده است، جرم است؟ و آیا این گونه تهدید  
 به قتلها که از طرف افراد معلوم الحالی که برخود شما هم  
 پوشیده نیست - لگد کوب کردن خون شصت هزار شهید به  
 خون خفته نمی باشد؟ آیا امروز که انقلاب ما و کشور ما هر  
 لحظه از طرف امپریالیستهای جهان خوار تهدید می شوند  
 و ایادی داخلی آنها فعالانه به تفرقه های درون کشور ما  
 دامن می زنند این گونه حرکت های تفرقه انگیزانه و  
 واپسگرایانه جز در خدمت منافع امریکا نیست؟ و آیا موقع آن  
 فرا رسیده که جلوی این قبیل اعمال ضد انقلابی گرفته شود  
 ما با توجه به مسئولیت شما که اگر امروز هم مورد سوال قرار  
 نگیرید در فردای قیامت باز پرسیده خواهید شد از شما می-  
 خواهیم که فوراً "به این مسئله رسیدگی کرده و تکلیف ما را  
 در مقابل این گونه حرکت های واپسگرایانه که جز در خدمت  
 امریکا نیست، مشخص نمایید. با توجه به این که این قبیل  
 حرکات تهدید آزادی ها و حتی بر خلاف قوانین مصوبه ی  
 قانون اساسی است.  
 فتوکی تهدید نامه به صمیمه ارسال می شود.

حسن سالاری مصطفی دهقانی  
 رونوشت به دادگاه انقلاب اسلامی تبریز - دادگستری - سپاه  
 پاسداران و مطبوعات (کیهان - اطلاعات - بامداد - مجاهد)

دمکراسی بورژوائی. زیرا  
 همانکه می دانیم تفاوت  
 عظیم و غیر قابل انکاری میان  
 دمکراسی انقلابی با پارلمانتا-  
 ریسم بورژوائی که یک  
 دموکراسی بی محتوا را با یک  
 بوروکراسی ضد مردمی در هم  
 می آمیزد، وجود دارد. در یک  
 نظام استثماری که قدرت  
 سیاسی در دست یک اقلیت  
 کوچک حاکم است اصل  
 دمکراسی به نواحی تنگنا پذیر  
 از بسیاری جهات محدود و  
 صرفاً صوری می باشد. نهادهای  
 به اصطلاح دمکراتیک در این  
 نظامها عمدتاً در خدمت  
 طبقات استثمارگر قرار دارند.  
 در واقع دمکراسی در جامعه های  
 که روابط استثماری بر آنها  
 حاکم است، از آن اقلیتی  
 است که از ثمرات کار توده ها  
 بهره می برند. در چنین  
 شرایطی شورا و دمکراسی به  
 تمام اوضاع زندگی توده ها  
 شمول نمی یابد و در نتیجه از  
 محتوا تهی می گردد. حال  
 آنکه دمکراسی انقلابی اساساً  
 خواهان افزایش نقش شوراهای  
 سازمان های توده ای، تشویق  
 ابتکار توده ها و حذف  
 بوروکراسی زائد است  
 (دمکراسی از پائین).  
 در یک نظام دموکراتیک  
 شورائی، همه ی قدرت به  
 شوراهای یعنی اکثریت سازمان  
 یافته ی مردم واگذار می شود  
 (اتحادیه های شوراهای). چنین  
 نهادهایی در هیچیک از  
 جمهوری های به اصطلاح  
 دمکراتیک جهان سرمایه داری  
 یافت نمی شود.  
 مصافا اینکه در شوراهای  
 مردمی، برخلاف سیستم های  
 بوروکراتیک، تنها به بررسی و  
 حلجای اکتفا نمی شود، بلکه  
 خود مردم مجربان حرف و  
 تصمیم خویشانند (اصل وحدت

(ادامه دارد)

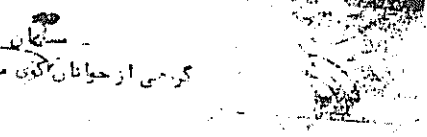
بسم خدا

بم حضور دوستان آزادیان محترم دهقان و قادر رسالار برسید %  
 ضمن سلام به دوستان - هرکسی عقیده ای دارد که به همان شعبه  
 مختبر است وای به شما اختار می شود که پسران شما را حرام از محله  
 هرکانه برای خودشان ولی اگر در محله بعد از این روزنامه مجاهدین  
 حلقه را بیاورید و بفرستند ما هم جواب آنها را خواهیم داد دوست بودن  
 به جای خود والا فریب دادن به های پشیمان راه ستمانی نیست اگر  
 جواب دادید هیچ در غیر این صورت خون پسران خود به گردن خود  
 ستمت در مقابل انعام این عمل انسانی از شما منتظریم %  
 گروهی از جوانان مسلمان محله کوی مجاهدین

منظور از پسران شما همان آقایان حسن سالاری و مصطفی دهقان

تاریخ ۱۳۴۰/۲/۱۳

خوابان شمس تبریزی کوی مجاهدین کوی همت آباد کانه مصر دهقان  
 حضور آقایان مصر دهقان و قادر رسالاری برسید %



عین متن سند

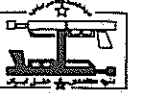
# نامه ی مدیریت سابق دانشگاه تهران به ملت ایران

بسم خدا

همانطور که ملت شریف  
 و مبارز ایران اطلاع دارند در  
 تاریخ ۱۳۵۹/۲/۳ به دنبال  
 وقایع اخیر دانشگاه از مدیریت  
 دانشگاه تهران استعفا کردیم.  
 به دنبال آن آقای سیدعلی  
 خامنه ای از منبر پیامبر و در  
 خطبه ی نماز جمعه بر روی تمام  
 زحمات طاقت فرسای ما در  
 اداره ی یکی از حساس ترین  
 مراکز مملکت، در طول چهارده  
 ماه گذشته، خط بطلان کشید و  
 ما را خائن خطاب نمود. از  
 آنجا که می باید حقایق برای  
 امام و امت روشن شود تا خادم  
 را از خائن باز شناسند آقای  
 خامنه ای و رفسنجانی را (که  
 ایشان نیز به ما نسبت هائی  
 داده بودند) به مناظره ی  
 تلویزیونی دعوت کردیم که  
 هنوز پاسخی نشنیده ایم، و نیز  
 بیانیه ای در شرح وقایع روز  
 اول اردیبهشت دانشگاه و علل  
 استعفا ی خود منتشر نمودیم.  
 اینک پس از دو هفته از  
 آن تاریخ، برخی روزنامه ها که  
 آن موقع از درج متن استعفا-  
 نامه ی چند سطره ی ما (که حاکی  
 از مسائل بسیار مهمی بود) و  
 نیز متن دعوت ما از آقایان  
 خامنه ای و هاشمی رفسنجانی  
 برای مناظره ی تلویزیونی خود  
 - داری کردند فقط بیانیه ی  
 مدیریت را، آنهم با عنوان -  
 بندی های مودیانهای که با روح  
 بیانیه ی ما منافات داشت و  
 شایسته ی خودشان است، چاپ  
 می کنند تا مسائل را آنگونه  
 بازگو کنند که خود می خواهند  
 صریحاً اعلام می کنیم. استعفا-  
 نامه و بیانیه ی ما مکمل یکدیگر  
 و پشت و روی یک سکه اند.  
 اکنون برای ادای دین  
 خود به ملت شریف ایران و با  
 این اعتقاد که در حکومت  
 اسلامی باید مملکت از لوث  
 برداشت های نادرست بعضی از  
 روزنامه ها جلوگیری گردد برای  
 بار دوم از آقایان خامنه ای و  
 هاشمی رفسنجانی دعوت  
 می کنیم که در یک مناظره ی  
 تلویزیونی با ما شرکت نمایند  
 تا حقایق در رابطه با مسائل  
 دانشگاهها، با ارائه ی ادله ی  
 طرفین، برای ملت ایران روشن  
 شود.  
 دکتر محمد ملکی، دکتر ترابعلی  
 براتعلی، دکتر حسین صباغیان  
 دکتر کاظم ابهری،

## دعوت به همکاری

سازمان مجاهدین برای نشر اندیشه های توحیدی و ترجمه  
 متون و آثار سازمان به زبان های دیگر از گلیه خواهران و  
 برادرانی که تسلط کافی به زبان های انگلیسی، عربی،  
 فرانسوی دارند دعوت می نماید در صورتی که تمایل به همکاری در  
 این زمینه دارند از طریق نشریه مجاهد با ما تماس بگیرند.



بقیه از صفحه اول  
 مورد حزب رستاخیز داشته‌ام! راستی در شرایطی که ما شاهد قرارگرفتن سرپرندگان ارتش شاهنشاهی در پست‌های مهم نظامی هستیم و در شرایطی که ساواکی‌های مومن به انقلاب! به خدمت! بازگشته‌اند (حتی در هما)، استناد به فرم‌های حفاظتی زمان شاه کودگانه نیست؟ با این حساب بایستی از دست‌اندرکاران پرسید، از کی تا بحال با حزب رستاخیز مخالف شده‌اند!! و شما حضرات در گذشته چکاره بودید؟ چه خوبست فرم استخدامی خودتان را نیز در معرض عموم قرار دهید ۲- "روابط عمومی هما" طومارهای اعتراضی‌آمیز کارکنان قسمت‌های مختلف را که گاه بیش از ۲۳۰ امضاء دارد، اعتراض اقلیتی می‌داند که پس از توضیحات قانع شده‌اند! ما می‌پرسیم آیا امضاء ۳۴ نفر از ۴۳ نفر کارکنان "کنترل استاک" (قسمتی که سیدی آخوندی در آن فعالیت می‌کرد) و ۶۶ نفر از ۹۰ نفر کارکنان

شیفت "D" آشیانه فنی (قسمتی که خسروضیائی در آن کار می‌کرد)، نشاندهنده اعتراض اقلیت است یا اکثریت؟

## کارکنان "هما" خواستار تشکیل دادگاه علنی هستند.

جلو پرواز هواپیماهایی را که به دستور امیران نظام‌ها اموال و اسناد را خارج می‌کردند، گرفته‌ام. البته اگر کسانی در روابط عمومی هما نگران اسناد فراری داده شده و یا علاقمند به شناسائی عناصر ضدانقلابی هستند که اسناد را برده یا نابود کرده‌اند، کافی است لحظه‌ای ببیندیشند که!

چه کسانی با از کار انداختن رادارها و جمع‌آوری توپ‌های ضدهوایی از فرودگاه زمینه را برای تهاجم نظامی آمریکا به ایران فراهم کردند. و یا فکر کنند که پس از اینهمه به اصطلاح پاکسازی (از همان نوع که در هما جریان دارد) چه کسانی اسناد بجا مانده از مزدوران امریکائی را در کویر لوت بمباران می‌کنند، پس لطفا داخل آستین‌های‌تان را هم نگاه کنید.

بسم الله الرحمن بنی صدر  
 بدیناست هواپیمائی علی ایران با شکلات و مسافری روست که از ناحیه و در بیان انحصاری غیر مسئول و صالح ایجاد شده است. آنها در حالیکه به مسائل فنی و احتمالی "هما" آشنا نیستند، چویر عمل میکنند که شکلات هر روز بهمین‌طور ترشیده و با تمام تلاش که کارکنان شنبه جهت ارائه خدمات بیشتر و بهتر انجام میدهند نتیجه مطلوب حاصل نمیشود. و اگر همان صفت تنها عام "هما" نیست و ما هم مستخدم که مشکلات باید در شرایط آزاد و دراز از هر وجه برطرف شود. اما در حال حاضر ششدریم با برخورداری از حمایت‌های متعدد و حقوق موجود آورده که رای و نثار اکثریت کارکنان را نمانده گرفته و با اطمینان خاطر آنها را مطمئن امریکا عذاب میکند. ایجاد دعوی از کارکنان مبارز رگمال خود کشی و بدین ارائه دلایل و فنی شورا نتیجه هایل از آن است.

ما صرفاً تا اعلام مداریم که اینگونه احوال باعث تفرقه و دو رویگی در میان کارکنان شده و برخلاف نادر شخص رئیس جمهوری به اخلاق و کم‌کاری و انصاف کشیده خواهد شد. لذا هشدار میدهم در حالیکه وابستگان رژیم شاه پس از یک سال از صافی هفت پاکسازی ایشان پاک و سایر بیرون می‌آیند اخراج کارکنان مبارز که اسلام و انقلاب و امام را با خائن شخصی و زودپند های خمیوشی معاویه نمی‌کنند در کنار و سعادت بدون سناکه و دادن حق دفاع به آنها عزیمت به اسلام و انقلاب نموده و در فکری ندارند. بجز در زمین شلایلی که پیش از هر زمان در بطن احتجاج به وحدت و یکپارگی داریم.

لذا متنی است جهت رفع مشکلات موجود با امراض نشانده خود و طهارت مستقیم با کارکنان و نمایندگان جمعیت و شورا علوی هرگونه سوء استفاده و تفرقه گرفته شود و شخصیت و حقوق افراد با امانت مستقیم قدرت طالب نشود.

بدین است هرگونه راه حل یکطرفه و انحصار طلبانه شری جز شدیده شکلات نخواهد داشت.

حسین از کارکنان هواپیمائی علی ایران  
 امضاء ۲۵۰

اما اینکه گفته شده سیدی آخوندی "عضو هماهنگ کننده‌ی هیئت نظارت بر پرواز بوده، لازم به تذکر است که در همان تاریخ یعنی ۱۲/۲۳/۵۷ و قبل از آنکه حتی یک هواپیما بارگیری شود، مطابق دستخط دکتر یزدی و امیران نظام آقایان رضافراهانی و مهندس محدث مسئول نظارت بر پرواز شدند و لذا هیچ مسئولیتی متوجه من (سیدی) نمی‌تواند باشد (البته خودتان می‌دانید که این اتهام کاملاً بچوب است و وگرنه می‌بایست نماینده‌ی گمرک و کارشناس نظامی سپاه پاسداران نیز مورد مواخذه قرار می‌گرفتند) بدیهیست برای روشن‌تر شدن چهره‌ی عناصر واپس‌گرا به نظر آقای محدث با خط خودشان توجه کنید.

کارکنان و سرپرست قسمت تصریح شده که من (خسرو ضیائی) در روز خالی شدن کپسول‌ها در مرخصی بوده‌ام در پایان قسمتی از نامه‌ی کارکنان شیفت "D" آشیانه‌ی فنی را (که ۶۶ نفر از ۹۰ نفر کارکنان آن امضاء کرده‌اند) خطاب به مدیریت هما، می‌آوریم:

"... خسرو ضیائی ... از پرچمداران شروع اعتصابات در این سازمان می‌باشد ... زمانی که برادرانی چون ضیائی در آشیانه‌ی فنی پشت بلندگو بر علیه رژیم منفور پهلوی فریاد می‌کشیدند، کمتر کسی بود که جرئت چنین کاری را داشته باشد."

این را هم اضافه کنیم که

شرکت پارتیل (سپاه پاسداران)  
 صورت‌جلسه هیئت مدیره هیئت مدیره  
 شماره: ۱۰۰  
 تاریخ: ۱۳۵۷/۱۲/۲۳

شهران انقلاب اسلامی سوسیالیستی ایران  
 در تاریخ ۲۲ آذر ۵۷ آقایان مبارز سیدی آخوندی در حالیکه در آنجا حاضر بودند و در آنجا صورت‌جلسه‌ای صورت گرفت و در آنجا به این نتیجه رسیدند که سیدی آخوندی در این مورد هیچ‌گونه دخالتی نداشته و در این مورد هیچ‌گونه دخالتی نداشته و در این مورد هیچ‌گونه دخالتی نداشته.

بسیار این جلسه در روز ۲۳ آذر در مورد پروازها توسط دولت صورت گرفته و در آنجا قطع گردید و سند از طرف هیئت نظارت و دیگر (رایب و آگاهی) در این مورد صورت گرفته و در این مورد هیچ‌گونه دخالتی نداشته و در این مورد هیچ‌گونه دخالتی نداشته.

تاریخ: ۱۳۵۷/۱۲/۲۳

## اعتراض روابط عمومی "هما" به مقاله‌ی "پاکسازی یا اخراج" مندرج در "مجاهد"!!

برای تخطئه‌ی سوابق سیدی آخوندی، از جمله جلوگیری از خروج اموال و اسناد امریکائی‌ها می‌پرسد: "پس کجاست آن اسنادی که از خروجش جلوگیری شده!" گویا فراموش کرده‌باشد که من (سیدی) مسئول نگهداری اسناد نبوده بلکه بنا بر وظیفه‌ی انقلابییم

برای تخطئه‌ی سوابق سیدی آخوندی، از جمله جلوگیری از خروج اموال و اسناد امریکائی‌ها می‌پرسد: "پس کجاست آن اسنادی که از خروجش جلوگیری شده!" گویا فراموش کرده‌باشد که من (سیدی) مسئول نگهداری اسناد نبوده بلکه بنا بر وظیفه‌ی انقلابییم

برای تخطئه‌ی سوابق سیدی آخوندی، از جمله جلوگیری از خروج اموال و اسناد امریکائی‌ها می‌پرسد: "پس کجاست آن اسنادی که از خروجش جلوگیری شده!" گویا فراموش کرده‌باشد که من (سیدی) مسئول نگهداری اسناد نبوده بلکه بنا بر وظیفه‌ی انقلابییم

برای تخطئه‌ی سوابق سیدی آخوندی، از جمله جلوگیری از خروج اموال و اسناد امریکائی‌ها می‌پرسد: "پس کجاست آن اسنادی که از خروجش جلوگیری شده!" گویا فراموش کرده‌باشد که من (سیدی) مسئول نگهداری اسناد نبوده بلکه بنا بر وظیفه‌ی انقلابییم

برای تخطئه‌ی سوابق سیدی آخوندی، از جمله جلوگیری از خروج اموال و اسناد امریکائی‌ها می‌پرسد: "پس کجاست آن اسنادی که از خروجش جلوگیری شده!" گویا فراموش کرده‌باشد که من (سیدی) مسئول نگهداری اسناد نبوده بلکه بنا بر وظیفه‌ی انقلابییم

برای تخطئه‌ی سوابق سیدی آخوندی، از جمله جلوگیری از خروج اموال و اسناد امریکائی‌ها می‌پرسد: "پس کجاست آن اسنادی که از خروجش جلوگیری شده!" گویا فراموش کرده‌باشد که من (سیدی) مسئول نگهداری اسناد نبوده بلکه بنا بر وظیفه‌ی انقلابییم

برای تخطئه‌ی سوابق سیدی آخوندی، از جمله جلوگیری از خروج اموال و اسناد امریکائی‌ها می‌پرسد: "پس کجاست آن اسنادی که از خروجش جلوگیری شده!" گویا فراموش کرده‌باشد که من (سیدی) مسئول نگهداری اسناد نبوده بلکه بنا بر وظیفه‌ی انقلابییم

برای تخطئه‌ی سوابق سیدی آخوندی، از جمله جلوگیری از خروج اموال و اسناد امریکائی‌ها می‌پرسد: "پس کجاست آن اسنادی که از خروجش جلوگیری شده!" گویا فراموش کرده‌باشد که من (سیدی) مسئول نگهداری اسناد نبوده بلکه بنا بر وظیفه‌ی انقلابییم

برای تخطئه‌ی سوابق سیدی آخوندی، از جمله جلوگیری از خروج اموال و اسناد امریکائی‌ها می‌پرسد: "پس کجاست آن اسنادی که از خروجش جلوگیری شده!" گویا فراموش کرده‌باشد که من (سیدی) مسئول نگهداری اسناد نبوده بلکه بنا بر وظیفه‌ی انقلابییم

زیر بنده و سیدی آخوندی  
 در تاریخ ۲۲ آذر ۵۷ آقایان مبارز سیدی آخوندی در حالیکه در آنجا حاضر بودند و در آنجا صورت‌جلسه‌ای صورت گرفت و در آنجا به این نتیجه رسیدند که سیدی آخوندی در این مورد هیچ‌گونه دخالتی نداشته و در این مورد هیچ‌گونه دخالتی نداشته.

بسیار این جلسه در روز ۲۳ آذر در مورد پروازها توسط دولت صورت گرفته و در آنجا قطع گردید و سند از طرف هیئت نظارت و دیگر (رایب و آگاهی) در این مورد صورت گرفته و در این مورد هیچ‌گونه دخالتی نداشته و در این مورد هیچ‌گونه دخالتی نداشته.

تاریخ: ۱۳۵۷/۱۲/۲۳

۴- "روابط عمومی هما" درباری خسروضیائی. با کمال وقاحت می‌نویسد: "بنابر اعتراف خودشان مسئول تخلیه‌ی عمدی باطری‌های آتش‌خاموش کن موتور هواپیما می‌باشد!" توجه ایشان را به گزارش مجمع فنی جلب می‌کنیم که از قول

رو نوشت: جمهوری اسلامی، آزادگان، بامداد، کیهان، اطلاعات، دادستان انقلاب دانشجویان پیرو خط امام (لانه‌ی جاسوسی)، انقلاب اسلامی.

# گزارش سمینار انقلاب فرهنگی

در تاریخ چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه اولین سمینار انقلاب فرهنگی به ابتکار دفتر هماهنگی همکاری های مردم با رئیس جمهور در تالار ابوریحان دانشگاه ملی ایران گشایش یافت.

این سمینار که به مدت چهار روز ادامه داشت، در روز شنبه بیستم اردیبهشت با برگزاری یک میز گرد، به کار خود پایان داد.

این میز گرد که با شرکت آقایان دکتر بنی صدر، دکتر شریعتمداری، مسعود رجوی، دکتر حبیبی، طاهر احمد زاده، شمس آل احمد، دکتر تکمیل همایون و معادخواه تشکیل شده بود، حدود پنج هزار نفر از دانشجویان و دیگر اقشار مردم شرکت کرده بودند. در ابتدای برنامه تمامی حضار بنا بر پیشنهاد دفتر هماهنگی همکاری های مردم با رئیس جمهور که برگزار کننده این مراسم بود، به پاس خون شهدا به پا خاستند و یک دقیقه سکوت کردند.

شرکت کنندگان در این میز گرد به جز آقای دکتر بنی صدر که سخنرانی شان حدود ۲ ساعت به طول انجامید، هر کدام در دو نوبت بین ۲۰ الی ۳۰ دقیقه سخنرانی نمودند (البته آقای احمدزاده، در نوبت اول، صحبت های خود را تمام کرد). ما در این شماره و شماره های آینده قسمتهایی از سخنرانی هر کدام از شرکت کنندگان این میز گرد را به ترتیب نوبت سخنرانی می آوریم: اولین سخنران این میزگرد آقای دکتر بنی صدر بود.

که به فرانسه منتشر شده است آورده ام که فساد از زمانی شروع می شود که یک حکومتی تصمیم می گیرد مخالفان خود را حذف کند. به جای اینکه کوشش کند برای جذب مخالفان از راه بحث و تفاهم و تلاش و کوشش سازنده، سعی کند در حذف مخالفان از طریق خریدن و فاسد کردن آنها یا از طریق حذف امروزی به معنای حذف فیزیکی، از این زمان فساد شروع می شود. شرک هم همینطور شروع می شود بنی صدر پس اضافه کرد:

دانشگاه جایی نیست که بتواند در ابهامات حرکت کند در آنجا باید عین مکتب امام صادق مفاهیم روشن شود و ترس از چماق ایدئولوژی که در بیرون دانشگاه است یا سازش ایدئولوژیک و یا تضاد ایدئولوژیک باید از بین برود.

ما در شماره آینده ضمن ادامه بحث هایی دیگر از سخنان رئیس جمهور به قسمت هایی از سخنان دیگر افراد سخنران شرکت کننده نیز اشاره خواهیم کرد.

اساس انقلاب فرهنگی را در زمان ما و در دورانی که بر ضد رژیم شاه انقلاب کردیم تشکیل می دهد؟ برای اینکه خواهران و برادران من صحنه اصلی جنگ ما با سلطه خارجی است و وقتی انسان در مقام مسئولیت قرار گرفت، و خواست این مسئولیت را وسیله ایجاد یک قدرت خرد-کننده بسازد محتاج اختلاف نمی شود. به خصوص که ناگزیر باشد دنباله ی نیردرهائی-بخش را هم بگیرد و با سلطه غرب در همه زمینه های زندگی جامعه بستیزد. پس دولت ما در اینصورت محتاج وحدت است. پس ما ناگزیر باید اسباب وحدت مردم را فروتنتر کرده و چه در قلمرو ذهن و چه در قلمرو عین و واقفیات زندگی، اسباب اختلاف را کم کنیم. بنابراین این فرهنگی که ما ناچاریم مشتوق و مروج آن باشیم فرهنگ وحدت و توحیدی است. ارگانهای تبلیغاتی ما که امیدوارم از این زمان چنین بشود، نباید ارگانهای تبلیغ افتراقی بگردند. من در کتابی

خبرواینکار سندی است یا نه؟ ۲- محتوی علم که در دانشگاهها و حتی در دبستانها و دبیرستان ها باید آموخت، چیست، چه چیز را ما علم تلقی میکنیم؟ ۳- چه سازمانی به نظام آموزشی از کودکان و ار دامن مادر تا قبر (از گهواره تا گور) باید بدهیم؟ که انسان دائم محیط اجتماعی خود را که مدرسه جزئی از آن است محیط آموزش و تکامل تلقی بکند؟

این سه موضوع را به عنوان حل مسئله انقلاب آموزشی باید جواب برایش پیدا کنیم و بگوئیم چگونه می خواهیم این سه مشکل را حل بکنیم تا خطوط روشنی پیدا شود برای آن بختی که هست به عنوان انقلاب فرهنگی و آموزشی.

آقای بنی صدر در قسمت های دیگری از سخنان خود گفت:

چرا حکومت ما محتاج وحدت همه مردم است؟ چرا این وحدت و رفتن به سوی آن

اصل سومی که از این دوتای اولی ناشی می شود، ضرورت بریدن است از زمینه تاریخی.

سیس دکتر بنی صدر اضافه کرد: طبیعی است برای استقلال فرهنگی به معنای انقلاب فرهنگی، ما باید یک اصول دیگری تدوین کنیم، در برابر این اصولی که غرب بر ما مسلط کرده، بپذیریم به جای اصل انسان میمون، که باید بی چون و چرا تقلید بکند و از خودش هیچ ادعایی به خرج ندهد، به عکس اصل انسان را تعریف کنیم به عنوان موجودی که جز در ابتکار و ادعای و خلاقیت مفهوم و واقعیت پیدا نمی کند، برای اینکه ما جین انسانی پیدا بکنیم. باید سه مسئله را در مورد نظام آموزشی کشور حل بکنیم یک مسئله آموزش و علم یا ایدئولوژی، اصلاً علم مستقل است این پوزیتیویست ها، نو پوزیتیویستها راست می گویند که علم را باید مستقل کرد از ایدئولوژی و ایدئولوژی را دنبال کار خودش فرستاد یا

این حائی نیست که صحبت خواستن یا نخواستن و تمایلات گروهی باشد، صحبت ضرورت و انقلاب است. ضرورتی که فقط هم در دوره های که در پیش خواهیم داشت مطرح است، مثل این است که بیشتر هم روی دوش ماست چون فعلاً ما در این مرحله ۳۰ کاندیدا در سراسر کشور داریم؛ بد نیست که آسارهای به شفقتی های انتخاباتی بکنیم، یک حزب با ۱/۵ میلیون رای توانسته تا کاندیدا به داخل مجلس بفرستد در حالی که ما منهای تهران یا اینکه در خیلی از شهرها کاندیدا نداشتیم با قریب یک میلیون رای تاکنون هیچ نماینده ای نداریم.

نکته ای را که می خواستم به اطلاع تان برسانم وضعیت خاص سازمان ما است، سازمان به دلیل سابق خونبارش و به دلیل برخورداری از حمایت برجسته ترین و پاکترین و فداکارترین اقشار اجتماعی، مخصوصاً جوانهای انقلابی و رزمنده، به مثابه یکی از

این حائی نیست که صحبت خواستن یا نخواستن و تمایلات گروهی باشد، صحبت ضرورت و انقلاب است. ضرورتی که فقط هم در دوره های که در پیش خواهیم داشت مطرح است، مثل این است که بیشتر هم روی دوش ماست چون فعلاً ما در این مرحله ۳۰ کاندیدا در سراسر کشور داریم؛ بد نیست که آسارهای به شفقتی های انتخاباتی بکنیم، یک حزب با ۱/۵ میلیون رای توانسته تا کاندیدا به داخل مجلس بفرستد در حالی که ما منهای تهران یا اینکه در خیلی از شهرها کاندیدا نداشتیم با قریب یک میلیون رای تاکنون هیچ نماینده ای نداریم.

نکته ای را که می خواستم به اطلاع تان برسانم وضعیت خاص سازمان ما است، سازمان به دلیل سابق خونبارش و به دلیل برخورداری از حمایت برجسته ترین و پاکترین و فداکارترین اقشار اجتماعی، مخصوصاً جوانهای انقلابی و رزمنده، به مثابه یکی از

نکته ای را که می خواستم به اطلاع تان برسانم وضعیت خاص سازمان ما است، سازمان به دلیل سابق خونبارش و به دلیل برخورداری از حمایت برجسته ترین و پاکترین و فداکارترین اقشار اجتماعی، مخصوصاً جوانهای انقلابی و رزمنده، به مثابه یکی از

## قسمت هایی از سخنان دکتر بنی صدر

دکتر بنی صدر در ابتداء گفت: من یک فهرست در باره ی سلطه ی فرهنگی، عناصر تشکیل دهنده ی این سلطه ی فرهنگی بیان می کنم، بعد می پردازم به اینکه در نظام آموزشی، ما چه باید بکنیم تا آن دگرگونی بنیادی بوجود بیاید یک اصل از آن اصول سلطه ی فرهنگی غرب برای ما، منع ابتکار و ضرورت اقتباس است که غیر اروپائی اندیشه ی خلاق ندارد و بنابراین باید تقلید کند فرهنگ اروپائی را بی چون و چرا، و از ابتکار خودداری کند یک اصل دیگر از این سلطه ی فرهنگی که از اولی ناشی می شود ضرورت انقطاع فرهنگی است.

اصل سومی که از این دوتای اولی ناشی می شود، ضرورت بریدن است از زمینه تاریخی.

سیس دکتر بنی صدر اضافه کرد: طبیعی است برای استقلال فرهنگی به معنای انقلاب فرهنگی، ما باید یک اصول دیگری تدوین کنیم، در برابر این اصولی که غرب بر ما مسلط کرده، بپذیریم به جای اصل انسان میمون، که باید بی چون و چرا تقلید بکند و از خودش هیچ ادعایی به خرج ندهد، به عکس اصل انسان را تعریف کنیم به عنوان موجودی که جز در ابتکار و ادعای و خلاقیت مفهوم و واقعیت پیدا نمی کند، برای اینکه ما جین انسانی پیدا بکنیم. باید سه مسئله را در مورد نظام آموزشی کشور حل بکنیم یک مسئله آموزش و علم یا ایدئولوژی، اصلاً علم مستقل است این پوزیتیویست ها، نو پوزیتیویستها راست می گویند که علم را باید مستقل کرد از ایدئولوژی و ایدئولوژی را دنبال کار خودش فرستاد یا

این حائی نیست که صحبت خواستن یا نخواستن و تمایلات گروهی باشد، صحبت ضرورت و انقلاب است. ضرورتی که فقط هم در دوره های که در پیش خواهیم داشت مطرح است، مثل این است که بیشتر هم روی دوش ماست چون فعلاً ما در این مرحله ۳۰ کاندیدا در سراسر کشور داریم؛ بد نیست که آسارهای به شفقتی های انتخاباتی بکنیم، یک حزب با ۱/۵ میلیون رای توانسته تا کاندیدا به داخل مجلس بفرستد در حالی که ما منهای تهران یا اینکه در خیلی از شهرها کاندیدا نداشتیم با قریب یک میلیون رای تاکنون هیچ نماینده ای نداریم.

نکته ای را که می خواستم به اطلاع تان برسانم وضعیت خاص سازمان ما است، سازمان به دلیل سابق خونبارش و به دلیل برخورداری از حمایت برجسته ترین و پاکترین و فداکارترین اقشار اجتماعی، مخصوصاً جوانهای انقلابی و رزمنده، به مثابه یکی از

این حائی نیست که صحبت خواستن یا نخواستن و تمایلات گروهی باشد، صحبت ضرورت و انقلاب است. ضرورتی که فقط هم در دوره های که در پیش خواهیم داشت مطرح است، مثل این است که بیشتر هم روی دوش ماست چون فعلاً ما در این مرحله ۳۰ کاندیدا در سراسر کشور داریم؛ بد نیست که آسارهای به شفقتی های انتخاباتی بکنیم، یک حزب با ۱/۵ میلیون رای توانسته تا کاندیدا به داخل مجلس بفرستد در حالی که ما منهای تهران یا اینکه در خیلی از شهرها کاندیدا نداشتیم با قریب یک میلیون رای تاکنون هیچ نماینده ای نداریم.

نکته ای را که می خواستم به اطلاع تان برسانم وضعیت خاص سازمان ما است، سازمان به دلیل سابق خونبارش و به دلیل برخورداری از حمایت برجسته ترین و پاکترین و فداکارترین اقشار اجتماعی، مخصوصاً جوانهای انقلابی و رزمنده، به مثابه یکی از

نکته ای را که می خواستم به اطلاع تان برسانم وضعیت خاص سازمان ما است، سازمان به دلیل سابق خونبارش و به دلیل برخورداری از حمایت برجسته ترین و پاکترین و فداکارترین اقشار اجتماعی، مخصوصاً جوانهای انقلابی و رزمنده، به مثابه یکی از

## سخنان برادر مجاهد مسعود رجوی در جمع

### استادان دانشگاهها و مدارس عالی

ما از آخرین قطرات دموکراتیک جامعه هم استفاده می کنیم

در شماره های گذشته، قسمت هایی از سخنان برادر مجاهد مسعود رجوی را، در جمع "استادان دانشگاهها و مدارس عالی" منعکس کردیم و اینک قسمتی دیگر از این سخنرانی را به نظران می رسانییم.

بنابراین ما با علم و اطلاع، به تمام این مسائل بایستی موضع گیری می کردیم و سرانجام بعد از همه ی بحثها، بعد از تمام مشاوراتی که انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که اصلاً شرکت ما علی رغم تمام این چیزها یک وظیفه ی مرم این مرحله ی انقلاب است.

یعنی سه این نتیجه رسیدیم که به تنها می بایستی از امکانات دموکراتیک تا آخرین قطره های که ممکن باشد استفاده کرد، و این وظیفه ی ماست، بلکه اصولاً ما بایستی جو مسخ که امپریالیستها می خواهند، ما هم دامن برنیم به این دلیل تا حال ایستاده ایم، کتک خوردیم، شهید شدیم، جسمان را از حلقه در آوردند، سربازان را آتش زدند، وسائل مان را هم آتش زدند، اما باز هم ما به این افتخار می کنیم که توانستیم آنچنان انضباط انقلابی را نشان بدهیم و در سطح نیروهای مان در سراسر کشور به آن پای بند باشیم که حتی باعث شگفتی خود حمله کننده ها شد که چطور وقتی که می توانیم واکنش نشان بدهیم نمی دهیم. ولی البته حقیقتاً نمی دانم ما این راه خط را تا کجا خواهیم توانست. ادامه

می توانیم. ما به تمام این مسائل بایستی موضع گیری می کردیم و سرانجام بعد از همه ی بحثها، بعد از تمام مشاوراتی که انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که اصلاً شرکت ما علی رغم تمام این چیزها یک وظیفه ی مرم این مرحله ی انقلاب است.

یعنی سه این نتیجه رسیدیم که به تنها می بایستی از امکانات دموکراتیک تا آخرین قطره های که ممکن باشد استفاده کرد، و این وظیفه ی ماست، بلکه اصولاً ما بایستی جو مسخ که امپریالیستها می خواهند، ما هم دامن برنیم به این دلیل تا حال ایستاده ایم، کتک خوردیم، شهید شدیم، جسمان را از حلقه در آوردند، سربازان را آتش زدند، وسائل مان را هم آتش زدند، اما باز هم ما به این افتخار می کنیم که توانستیم آنچنان انضباط انقلابی را نشان بدهیم و در سطح نیروهای مان در سراسر کشور به آن پای بند باشیم که حتی باعث شگفتی خود حمله کننده ها شد که چطور وقتی که می توانیم واکنش نشان بدهیم نمی دهیم. ولی البته حقیقتاً نمی دانم ما این راه خط را تا کجا خواهیم توانست. ادامه

می توانیم. ما به تمام این مسائل بایستی موضع گیری می کردیم و سرانجام بعد از همه ی بحثها، بعد از تمام مشاوراتی که انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که اصلاً شرکت ما علی رغم تمام این چیزها یک وظیفه ی مرم این مرحله ی انقلاب است.

یعنی سه این نتیجه رسیدیم که به تنها می بایستی از امکانات دموکراتیک تا آخرین قطره های که ممکن باشد استفاده کرد، و این وظیفه ی ماست، بلکه اصولاً ما بایستی جو مسخ که امپریالیستها می خواهند، ما هم دامن برنیم به این دلیل تا حال ایستاده ایم، کتک خوردیم، شهید شدیم، جسمان را از حلقه در آوردند، سربازان را آتش زدند، وسائل مان را هم آتش زدند، اما باز هم ما به این افتخار می کنیم که توانستیم آنچنان انضباط انقلابی را نشان بدهیم و در سطح نیروهای مان در سراسر کشور به آن پای بند باشیم که حتی باعث شگفتی خود حمله کننده ها شد که چطور وقتی که می توانیم واکنش نشان بدهیم نمی دهیم. ولی البته حقیقتاً نمی دانم ما این راه خط را تا کجا خواهیم توانست. ادامه

می توانیم. ما به تمام این مسائل بایستی موضع گیری می کردیم و سرانجام بعد از همه ی بحثها، بعد از تمام مشاوراتی که انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که اصلاً شرکت ما علی رغم تمام این چیزها یک وظیفه ی مرم این مرحله ی انقلاب است.

## بقیه از صفحه ۳

داخلیش را فعال نموده است و اکنون نیز با تشکیل کنفرانس به اصلاح اسلامی مجدد پاکستان طرح های تجاوزه کسارانه ی نظامی خود را با اقدامات سیاسی و تشکل ارتجاع منطقه تکمیل می کنند.

عربستان و پاکستان که اینک اقدام به برپائی چنین کنفرانسی کرده اند، هرگز در مقابل تهاجم نظامی امریکا علیه ایران جز سکوت و یا حتی بطور غیر مستقیم تأیید آن موضع دیگر نگرفته اند. چرا آن ها محکوم نشده است؟ چرا حتی به طور مستقیم و غیر مستقیم تدارک و امکانات چنین حمله ای، نقش داشته اند؟ شرکت ایران در این کنفرانس به چه منظوری است؟ آیا تا به این اندازه، دشمنان را دوستان خود (آن هم از نوع اسلامی) تصور کردن، صرفاً از روی نا آگاهی است؟

بقیه از صفحه ۳

## کنفرانس مجدد...

تهنیت و دست مریزاد! به زرتالهای اسلام پناه! و دادن رهنمودهای لازم " با رضایت کامل " پاکستان را ترک فرموده امپریالیزم نیز به امریکا سفر کردو با قول کمک های نظامی و اقتصادی فراوانی بازگشت.

با این همه تعجب آور است که شورای انقلاب، باز هم تصمیم گرفته است که در چنین کنفرانسی شرکت کند. کنفرانسی که با دستور مستقیم امریکا، به کارگردانی مهره های سرسپرده اش و در جهت تأمین منافع امپریالیزم و انحراف مبارزات ضدامپریالیستی خلق های منطقه تشکیل شده است.

شرکت ایران در چنین کنفرانسی، در شرایطی صورت می گیرد که ما به لحاظ نظامی مورد وسیع ترین و خطرناکترین توطئه های امپریالیزم قرار گرفته ایم و نیروهای امریکا تا اعماق خاک کشورمان نفوذ کرده و به طور چشمگیری ایادی

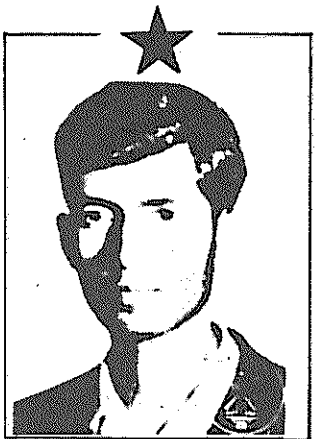
سازمان یافته ترین نیروهای موجود در سطح کشور و به همین دلایل در معرض تهاجم امپریالیستهاست و تا آنجائی که من می دانم مقامات رسمی هم گزارش هایی در دست دارند که یکی از هدف های حمله ی امپریالیست ها هم حمله به دفاتر ما بوده است.

اکنون در موقعیت ویژه ای به سر می بریم، این موقعیت ویژه ای که باعث شده امروز ما مورد بیشترین تهاجمات و تهمت ها که حالا نثار خواهرها و برادران ما می شود به این شدت در گذشته و حتی از جانب ساواک هم سابقه نداشته است، خوب این هم از شگفتی هاست و از تجارب بزرگ و شاید از بلاهای بزرگ و در همین حال زیر رگباری از گلوله و تهمت و افترا به میثاق خونین خودمان عمل خواهیم کرد، این مطلبی نیست، اگر راه را انشاء الله درست تشخیص داده باشیم.

سازمان یافته ترین نیروهای موجود در سطح کشور و به همین دلایل در معرض تهاجم امپریالیستهاست و تا آنجائی که من می دانم مقامات رسمی هم گزارش هایی در دست دارند که یکی از هدف های حمله ی امپریالیست ها هم حمله به دفاتر ما بوده است.



# سالگرد شهادت مجاهد شهید حسین کرمانشاهی اصل را گرامی می‌داریم



الذین یبطلون رسالات الله و یخسونه و لایخسونه احد الا الله... (کسانی که پیامهای خدائی را به توده‌ها می‌رسانند و از خدا می‌ترسند و جز او از هیچ‌کس باکی ندارند...)

مجاهد شهید حسین کرمانشاهی اصل در سال ۱۳۲۸ در شهر اهواز دیده به جهان گشود. در دوران تحصیل همیشه از شاگردان ممتاز بود. از دوران دبیرستان و به خصوص سالهای سکون بعد از ۴۲ تا ۴۶، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی خودش را با شرکت فعال در انجمن‌های مذهبی و سخنرانی‌های افشاگرانه مخصوصا در مورد تبعید حضرت آیت الله خمینی و پخش اعلامیه آغاز کرد. برخورد نزدیک و آگاهانه با توده‌های محروم بود که آتش شور و عشقی عظیم را در دل دردمندش روشن کرد. آتشی که زیانه می‌کشید تا دامن ستمگران و استثمارگران را بگیرد. سها که دیروقت از جلسه برمی‌گشت، با دیدن محرومین بی‌پناهی که بدون زیرانداز و رواندازی، کنار خیابانها خوابیده بودند، با عجله به خانه می‌آمد و برایشان وسیله‌های می‌برد، همین عشق به توده‌ها، همیشه حسین را به کنار آنها می‌کشید و از دردها و مشکلاتشان آگاه می‌کرد. مثلا او آخر بهار ۵۲ با دیدن وضع اسفبار روستائیان زیر سد دز، که رژیم زمین‌هایشان را در اختیار سرمایه‌داران قرار داده بود رفت.

حسین پس از هر برخورد و نشستی که با روستائیان داشت، خلوت می‌کرد و به دقت و مسئولانه مشکلات و دردهای آنان را که برده‌وار توسط سرمایه‌داران امریکایی استثمار می‌شدند، روی کاغذ می‌آورد تا دیگران را نیز از آنچه که می‌گذرد آگاه کند. در برخورد با مردم بسیار متواضع بود، هیچگاه از موضع بالا و برتر با آنان برخورد نمی‌کرد و اگر از کسی در این مورد خطایی سر می‌زد، صریح و قاطع انتقاد می‌کرد. حسین از مردم خیلی چیزها یاد گرفته بود: سده زیستی و خودسازی انقلابی را

لازمه فهم درد مردم و ویژگی یک انقلابی می‌دانست، و الحق که خودش در این مورد نمونه بود. سالهای سال را با یک دست لباس سر می‌کرد و همان زندگی ساده و مختصرش را هم با کار خودش تامین می‌کرد.

سال ۴۷ وارد دانشگاه صنعتی شریف شده، و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی خودش را گسترش داد. در فعالیت‌های اسلامی دانشگاه و نیز در شکل‌گیری بسیاری از اعتصابات دانشجویی نقش موثر داشت، منجمه در تظاهرات اعتراضی نسبت به گرانی بلیط اتوبوسهای واحد، یکی از رهبران دانشجویان دانشگاه صنعتی بود.

صداقت، خلوص، گذشت و ایثار او در تمام این فعالیت‌ها نمونه بود. هیچ وقت نبود که خودش را بر دیگری ترجیح دهد.

علیرغم اینکه سالیان دراز محصل ممتاز بود ولی فعالیت‌های دانشجویی و وجدان مسئول و آگاه او، از این پس اجازه‌ی درس خواندن به او نداد، لذا سه ترم متوالی نتوانست معدل حدنصاب قبولی را بیاورد. نتیجتا او را به همراه عده‌ای دیگر از دانشگاه اخراج کردند. البته هیات آموزشی دانشگاه حاضر شد، وضع حسین را (که نماینده‌ی دانشجویان معترض اخراجی بود) درست کرده و مانع اخراج او شود، اما حسین که علیرغم شرایط سخت خانوادگی، کسی نبود که فقط گلیم خودش را از آب بدرکشد و به فکر حل مشکل فردیش باشد، این طرح را نپذیرفت و تن به اخراج داد. پس از آن حساب‌داری فعالیت‌های سیاسی‌اش را متشکل‌تر کرد.

در همین سالها در جلسات درس شهید علی شریعتی شرکت می‌کرد و برداشتهای ایدئولوژیکش را غنا می‌بخشید. در معرفی دکتر شریعتی و آثارش به جوانان اهواز، نقش موثری داشت. درکش از اسلام، انقلابی و مردمی بود و شدیداً با برداشتهای راست‌گرایانه و ارتجاعی از اسلام مخالفت می‌کرد. با همین درک اصولی بود که همواره به دوستانش توصیه می‌کرد که از تضاد اصلی جامعه که همان امپریالیزم غارتگر و رژیم دست‌نشانده‌اش است، غافل نشده و به مسائل فرعی و مشغول‌کننده، نپردازند. از نظر او هر عاملی که انسان را از شکستن سد اصلی تکامل بشر در عصر ما منحرف کند، ضداسلامی و ضدانقلابی است. می‌گفت هیچ رابطه‌ای جز قهر و اسلحه، بین مردم و امپریالیزم وجود ندارد، هر حرف دیگری فریب است! برادران هم‌زمش به یاد می‌آوردند که بارها و بارها آیه

"مالکم لاتقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین..." (۷۵ نساء) را می‌خواند و می‌گفت: "هر کس، به هر دلیل که باشد، به مبارزه‌ی آزادیبخش مستضعفین نپیوندد، جایش در کنار رژیم است... راه‌سومی وجود ندارد..."

اوائل سال ۵۱ به سازمان مجاهدین خلق پیوست. در اینجا بود که حسین تبلور تمامی آرمانهای توحیدی و اندیشه‌های انقلابیش را یافته و لذا پرشور و منضبط و دقیق، مسئولیتهای تشکیلاتیش را انجام می‌داد. معمولا شناخت او از افراد و پیش‌بینی‌هایش درباره‌ی آنان درست درمی‌آمد نسبت به کوتاهی از اصول و معیارها، شدیداً حساس بود و قاطعانه و صریح و پیگیر انتقاد می‌کرد، و این یکی از ویژگیهای بارز حسین بود.

زندگی انقلابی به حسین زیرکی و هوشیاری فوق‌العاده‌ای بخشیده بود. به طوری که با رعایت مسائل امنیتی و حفاظتی چندین بار توانست از چنگال پلیس بگریزد. مثلا یکبار در بهار ۵۲ به اهواز مسافرت می‌کند و به دلیل رعایت مسائل امنیتی از رفتن به منزل دوستان و اقوامش خودداری کرده و شب را به مسافرخانه‌ای می‌رود. حدود ساعت ۱۲ متوجهی رفت و آمدهای مشکوک عده‌ای به مسافرخانه می‌شود. همان موقع، بدون هیچ سستی و توجه‌کاری، از مسافرخانه خارج شده و شب را در بیابانهای اطراف شهر می‌گذراند. یک بار دیگر در منزل یکی از دوستانش بوده که مزدوران ساواک برای دستگیری هر دویشان به خانه مراجعه می‌کنند. حسین که هوشیارانه متوجهی قضیه شده بود، در مقابل ساواکی‌ها بلند شده و به طور خیلی طبیعی با دوستش دست داده، خداحافظی می‌کند و به سرعت بیرون می‌رود. نمونه‌ی دیگر وقتی بود که مامورین ساواک در خانه‌ی برادری در تهران دام گسترده و برای دستگیری مراجعین به کمین نشسته بودند حسین که از جریان خبر نداشته به خانه مراجعه می‌کند و سراغ برادر مزبور را می‌گیرد. مامورین ساواک می‌گویند: "خانه نیست." او که هوشیارانه متوجهی وضع غیر-عادی منزل شده بود می‌گوید: "پس من می‌روم نان می‌خرم و برمی‌گردم" و به این ترتیب از دام آنان می‌گریزد.

یکبار هم تا مامورین در خانه را می‌زنند و قبل از اینکه وارد شوند حسین با زرنگی خاصی از دیوار فراری می‌کند. نمونه‌هایی از این قبیل که بیانگر دقت و ریزبینی یک چریک در برخورد با مسائل مختلف است، در زندگی حسین کم نبود. سال ۵۱ به دلایل امنیتی، قاطعانه زندگی مخفی را شروع می‌کند. در همراه

همین سال، پس از دستگیری مجاهد شهید محمد مفیدی، ارتباطش با سازمان قطع می‌شود. دوره‌ی قطع رابطه با سازمان، برای حسین که سازمان تجلی تمامی وجودش و تبلور تمامی آرمانهایش بود، بسیار سخت و دردناک گذشت اما توسط مجاهد شهید بهجت تیفکچی به مجاهد شهید مجید شریف‌واقفی مرتبط و به وسیله او مجدداً به سازمان وصل شد.

در سال ۵۳، از شکل‌گیری یک جریان انحرافی چپ نما در سازمان آگاه می‌شود. وقتی یکی از سردمداران این جریان، مساله را با او در میان می‌گذارد، حسین شدیداً مقابله کرده و می‌گوید: "شما حق استفاده از نام مجاهد را ندارید." متأسفانه در همین شرایط حسین به سختی مریض و در بیمارستان بستری می‌شود و لذا نمی‌تواند نقش فعال‌تری در مبارزه با اپورتونیزم بازی کند. قبل از افشای چهره‌ی کریه اپورتونیزم چپ‌نما در اردیبهشت ۵۴ حسین با نام مستعار صالح نیری، از طریق تعقیب و پیگیری یکی از مبارزین دستگیر می‌شود (فروردین ۵۴). ساواک که در اوج یک‌تازگی بی‌شمانه‌ای بود، و حمیانه حسین را به زیر زجر آورترین شکنجه‌ها می‌کشد. اما حسین که وجودش را با خلق ستم‌دیده و منتظر، زنده بود، لب به سخن نگوید. قبلاً به برادرانش وعده داده بود که:

"در صورت دستگیری حداقل ۱۵ روز مقاومت می‌کنم و اسم را هم به دشمن نمی‌گویم." شگفتا که حسین قهرمانانه به وعده‌اش عمل کرد: "الذین یوقون بعهدالله و لاینقضون المیثاق والذین یصلون ما امرالله به ان یوصل و یخسونه ربهم و یخافون سوء الحساب" (کسانی که عهد خدا را وفا می‌کنند و پیمان نمی‌شکنند، کسانی که می‌پیوندند به آنچه خدا دستور داده و بیم مسئولیت در پروردگارشان دارند و از بد حساسی می‌ترسند). منوچهری جلاد ساواک در حالی که از مقاومت حسین به تنگ آمده بود یکی از برادران گفته بود: "او حتی اسمش را هم به ما نگفت!"

عکس را به او نشان می‌دادند ولی باز از پذیرفتن نام خودش امتناع می‌کرد! ساواک با آن قدرت و هیبت جهنمی‌اش در مقابل بدن استخوانی و ضعیف و خردشده‌ی حسین به زانو درآمد! کوره‌ی گذاران انقلاب چه انسانهای شکست‌ناپذیری می‌آفریند! بالاخره پس از یک هفته شکنجه، اگر چه پیکر لاغر حسین درهم کوبیده و به خاک و خون کشیده شد ولی وجودش پاک و تروپالوده‌تر، آزاد شد و لوچ گرفت.. یادش در دل‌های پویندگان ثابت قدم حق همواره پاینده‌باد

## در باره‌ی تقلبات...

بقیه از صفحه اول

با توجه به اهمیتی که مجلس شورای ملی به عنوان مرکز اصلی تصمیم‌گیری در تعیین سرنوشت مردم به دست خودشان و استقرار یک نظام شورائی دارد و با توجه به اثر سرنوشت ساز آن در حفظ وحدت ملی و شرکت اقشار مختلف اجتماعی در تعیین سرنوشت خود بایستی از ابتدا، برگزاری انتخابات از هر نوع اعمال نفوذ و تقلب مصون می‌ماند تا با شرکت نمایندگان عموم مردم در این مجلس و اشتراک مساعی‌شان در حل مشکلات و نابسامانی‌ها، آسیب‌پذیری انقلاب به حداقل ممکن رسیده و وحدت و یکپارچگی مردم تضمین شود. اما از همان ابتدا کسانی که حرص و آز انحصارطلبانه، اندیشه‌ی سرنوشت انقلاب را از یادشان برده بود، به طرق گوناگون سعی در کنترل و هدایت انتخابات در جهت منافع گروهی خود کردند تا این مادر شوراها را هم چون سایر نهادها به وسیله‌ای برای سلطه و اعمال نفوذ خود تبدیل کنند و سرانجام شیرازه‌ی وحدت ملی را از هم بگسلند و سرنوشت انقلاب را فدای آمال قدرت طلبانه‌ی خود نمایند.

در مرحله‌ی اول، انواع تخلفات، تقلبات و نقض بی‌طرفی از همان بدو تشکیل انجمن‌های نظارت مرکزی و فرعی و روال کار آنان گرفته تا آخرین مرحله‌ی شمارش آراء، به طور گسترده انجام شد که ما گزارشات و شکایات مربوط به آن را در اختیار رئیس جمهوری و سایر ارگان‌های مسئول گذاشتیم. سرانجام شکایات فراوان ما و سایر نیروها که به تقلبات گسترده‌ی مرحله‌ی اول معترض بودند، منجر به تشکیل کمیسیون هفت نفره از طرف شورای انقلاب شد. ما امید داشتیم اختیاراتی که این هیئت از شورای انقلاب گرفته است، مانع پایمال شدن حقوق قشر عظیمی از رای دهندگان خواهد شد لذا کلیه‌ی موارد مورد اعتراض را در اختیار این هیئت قرار دادیم. اما باز هم مصالح و منافع گروه خاصی عملاً وجود این هیئت را نادیده گرفت و دست به کار انتخابات مرحله‌ی دوم شد.

ما علی‌رغم اعتراضاتی که به انتخابات مرحله‌ی اول داشتیم و بدون رسیدگی به آنها این انتخابات را مبین آراء واقعی ملت نمی‌دانستیم. در انتخابات مرحله‌ی دوم شرکت کردیم زیرا بر آن بودیم که از هیچ قدمی در راه تفاهم و وحدت ملی فروگذار نکنیم و تا آنجا که به ما مربوط می‌شده همواره در این راه پیشقدم بوده‌ایم.

بنابراین با طرح پیشنهاداتی برای اصلاح سیستم انتخابات و مصون ماندن آن از اعمال نفوذ و تقلبات ناروا شرکت خود را اعلام کردیم. اولین پیشنهاد ما افشای انواع تقلبات دور اول و ابطال انتخابات حوزه‌های تقلب‌آمیز بود. ما خواستار آن بودیم تا امرای گیری و مسئولیت‌صندوق‌ها به افراد بیطرف سپرده شود و از دخالت ارگان‌های اجرائی و نیروهای انتظامی در این کار جلوگیری شود، تبلیغات مفرضانه و غیرقانونی رادیو تلویزیون قطع شده و کاندیدها از طریق رادیو تلویزیون به مردم معرفی شوند تا مردم خود بدانند چه کسانی را به مجلس خواهند فرستاد.

همچنین از جوسازی‌ها و تحریکاتی که به منظور ایجاد آشوب در بعضی مناطق صورت می‌گیرد جلوگیری شود و سیستم رای‌خوانی هم کامپیوتریزه شود (که این قسمت انجام شد). رای بیسوادان توسط افراد بیطرف نوشته شود تا آراء اخذ شده مبتنی بر شناخت مردم باشد نه با سوء استفاده از ناآگاهی آنها.

### سومین سالروز هجرت دکتر علی شریعتی

#### در زمین چمن دانشگاه برگز را گردید.

عصر روز پنج‌شنبه ۲۵ اردیبهشت ماه مراسم بزرگداشت سومین سالگرد هجرت معلم شهید دکتر علی شریعتی به دعوت کانون نشر اندیشه‌های شریعتی و خانواده‌ی شریعتی در زمین چمن دانشگاه تهران با حضور حدود صد هزار نفر از مردم برگزار گردید.

مراسم در ساعت ۴ بعد از ظهر با تلاوتی چند از آیات قرآن مجید آغاز گردید، سپس پیام کانون ابلاغ اندیشه‌های شریعتی قرائت شد و بعد از آن سرود حماسه‌ی شریعتی پخش گردید. آنگاه پس از قرائت پیام استاد محمدتقی شریعتی خانم پوران شریعت‌رضوی همسر دکتر شهید پیرامون زندگی شهید شریعتی سخنانی ایراد کرد. پس از پایان سخنان خانم پوران شریعت‌رضوی پیام سازمان مجاهدین خلق ایران قرائت گردید. در ادامه‌ی مراسم به ترتیب طاهر احمدزاده، ابوزروردی‌داسی و در پایان احسان شریعتی سخنرانی کردند. در بین سخنرانی پیام بعضی از گروه‌های شرکت‌کننده در مراسم نیز قرائت گردید.

این مراسم در ساعت ۸ بعد از ظهر به اتمام رسید. ما در شماره‌ی آینده گزارشی از این مراسم را درج خواهیم نمود.

نگاهی به اخبار و رویدادها

# نگرانی امپریالیسم، از عمق یافتن مبارزه ضد استعماری

درباره حفظ پل‌های ارتباطی غرب، که منافع امپریالیسم را در کلیت خود، نامین‌کند، در شماره گذشته مطالبی بیان داشتیم و در آنجا گفتیم که در همین رابطه است که اروپای غربی، در مورد تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا، انعطاف نشان می‌دهد. این انعطاف، از یک نظر ناشی از ترسی است که امپریالیسم، از عمق یافتن مبارزه ضد استعماری و حرکت خلق به سمت خودکفائی دارد، و از نظر دیگر از کسرت روابط اقتصادی با کشورهای مترقی سبز هراستاک است.

یکی از وجوه بارز و محوم مبارزه ضد امپریالیستی، ابتکار به خلق و اتخاذ روشهایی برای نیل به خودکفائی اقتصادی است.

ولی تا رسیدن به این مرحله، نیازهایمان را چگونه برآورده می‌کنیم، ضمن تاکید بر اصل قطع وابستگی‌های امپریالیستی، می‌توان برای نامین این نیازها بطور موقت، از طریق کشورهای مترقی و ضد امپریالیست نیازهای ضروری را برآورده نمود.

در این رابطه، اگر می‌بینیم علیرغم جار و جنجال تحریم اقتصادی ایران، امپریالیسم به اتخاذ سیاست‌های به ظاهر دوگانه‌ای دست می‌زند و اروپای غربی را برای حفظ روابط گذشته وارد میدان می‌نماید، درک دقیق همین مفهوم است. چرا که اثر سازنده سمب نودهای خلقی خود را نباید، قطع وابستگی‌های استعماری (اقتصادی، نظامی، ...) را به دنبال خواهد داشت و این چیزی نیست که خوشایند جهانخواهران امپریالیست باشد.

"جان گراهام" سیر انگلیس در ایران ماهیت این سیاست را برملا ساخته و می‌گوید:

"تحریم اقتصادی ایران" به مفهوم واقعی، امکان آستی و مصالحه را بعد از تشکیل مجلس ایران منقذ می‌نماید (یعنی همان تسدید جو ضد غربی - ضد امپریالیستی که فوقاً بدان اشاره شد) و باعث قطع وابستگی‌های ایران به غرب، از طریق ایجاد روابط اقتصادی با سایر کشورهای مترقی می‌آید. حرکت خلقی، در جهت بنی فرار داده‌های اسارت‌بار امپریالیستی سمت گیرد.

\* خبرگزاری پارس (۲۵ فروردین) - معاوضه نامی همکاران ایران، با جکسلاواکی امضاء شد.  
\* آوسیتدیرس (۷ اردیبهشت) - یک هیئت رومانی، در ماه مارس گذشته، فرار دادی را با ایران، جهت معامله یا پایایی غله در مقابل نفت ترتیب داد.  
\* آوسیتدیرس (۷ اردیبهشت) - معین فرگفت: صادرات نفت ایران به رومانی ۶۰٪ افزایش یافت و به ۱۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است.  
\* آوسیتدیرس (۷ اردیبهشت) - کشورهای اروپای شرقی آماده‌اند در صورت بستن روابط غربی به ایالات متحده، در مجازات‌های اقتصادی علیه ایران، با ارائه مواد غذایی، دارو، کالاهای ساخته‌شده و بازاری برای نفت، به ایران کمک کنند.  
\* انقلاب اسلامی (۸ اردیبهشت) - رئیس کل بانک مرکزی ایران: کشورهای اروپای شرقی که از نظر

از سرویس خبری مجاهد:

## در شهرستانها چه می‌گذرد...؟

### تبریز:

روز سه‌شنبه ۲۳/۲، ساعت ۶/۵ بعد از ظهر، یک دانشجو به هنگام پخت خیرنامه، در میدان ساعت تبریز با شلیک افراد مسلح به قتل می‌رسد. گفته می‌شود آنها قصد دستگیری این دانشجو را داشته‌اند و چون او به است آنها نوحه‌ی نمی‌کند، به طرفش شلیک می‌کند و با اصابت گلوله بد مغز درجا کشته می‌شود. بد دنبال این صل، عده‌ای برای لوت کردن مسئله دست به حواری می‌زنند. حتی شایع می‌کند این دانشجو نقد سرف بانک را داشته‌است. مقول کمال کیاعر نام داسه و دانشجوی سال اول مکانیک دانشگاه تبریز بوده‌است.

### مسجد سلیمان:

لمسگرام ربر از سوی

شورای اسلامی پرسیزیون، به رئیس جمهور ارسال شده‌است: به نام خدا

تهران، دفتر رئیس جمهور آقای بنی‌صدر  
شورای اسلامی پرسیزیون به اطلاع می‌رساند که دو ماه است که حقوق کارگران و کارکنان که ۱۸۰۰ نفر هستند، پرداخت نشده‌است و به کلیه فرار داده‌های ما که با مقامات مسئول بسته‌شده، اصلا توجهی شده‌است. و کارگران شرکت کاغذ در مصقه هستند. و کنترل آنها سخت مشکل گردیده‌است، ما توجه به اینکه دست‌هایی در کار است که گنبدی اقدامات اسلامی و فاسدی ما را بی‌اثر ساخته‌است از شما می‌خواهیم که محریان قانون ربه وظایف خود بجا آورید. و همدار می‌دهیم که عواقب و بی‌آمدهای بعدی به عهده‌ی هیات مدیره

و مجری طرح و دیگر مقامات مسئول است که در کارها توطئه می‌کنند و باعث تحریک، درگیری و تشنج در این شرایط حساس می‌گردند.

شورای اسلامی پرسیزیون

### اصفهان:

از چند روز قبل، علیرغم شهادت سیاوش شمس بر سر دفاع از یک فروشنده‌ی روزنامه مجاهد، باردیگر عناصر معلوم - الحال تهدید و تضيقات خود را علیه فروشنده‌گان این روزنامه افزایش داده‌اند. چند روز پیش حدود ۱۰ نفر از اوایش به کیوسک حنیف واقع در سه راه حکیم‌نظامی مراجعه و آن را به انفجار کیوسک تهدید کرده‌اند، همچنین فروشنده‌ی دیگری نیز تهدید به آتش زدن مغازه‌اش شده‌است.

### کازرون:

روز ۲۲/۲ عده‌ای از اوایش مسلح به جاقو و زنجیر به سردمداری خداداد مودنی و منصور مودنی به ۳ تن از فروشنده‌گان روزنامه‌ی مجاهد در سفرهای بوشهر، کازرون

حمله می‌کنند که بر اثر آن سه فروشنده‌ی فوق بنا مهای بهرام خیر، مسعود مختاری و رسول زرخواه از ناحیه‌ی کمر و پا توسط جاقو و چماق مجروح و مصروب می‌شوند.

### اهواز:

در روز ۲۲/۲، حدود ۳۴ نفر از کارکنان شرکت ساختمانی مانا، وابسته به صنایع فولاد اهواز، که چهار نفر آنها مهندس و بقیه کارگر و کارمند هستند، از این شرکت اخراج شده‌اند. در بخشنامه‌ی که از طرف رئیس مجتمع فولاد انتشار یافته، علت اینکار عدم احتیاج ذکر شده‌است. اخراج شده‌گان که افرادی مبارز هستند طی نامه‌ای به دادگاه انقلاب اسلامی نوشته‌اند: در زمانی که باید همه‌ی نیروها برای تولید بیشتر سیج شوند و در زمانی که به کار ما در قسمت‌های مختلف شرکت احتیاج است و حتی یکی از مهندسیین سرپرستی دو کارگاه را به عهده داشته‌است، هدف از این اخراج چیست؟ آنها در پایان خواستار رسیدگی بوضعشان شده‌اند.

## درد دل‌ها و صحبت‌های خودمانی

### درد دل یک روستائی سیل زده در بیرجند

دست‌های مرا نگاه کنید!! دروغ نمی‌گویم، تمام عمرم را رحمت کشیده‌ام. عید نوروز، روستای ما را سیل برد، من ماندم و چهار بچه‌ام و در بدری و آوارگی. چون پیر شده‌ام مرا به کاری نمی‌برند، و گرنه روزی ۸۰ تومان مزد دارم، تنها یک پتو داشتم که آن را هم فروختم، باز هم گرسنه‌ایم شما بگوئید چطور شکمان را سیر کنیم؟؟  
حرف دلم را به شما می‌زنم چون به درد من می‌رسید، رفتن به کمپه در مشهد پیش آقای... گفتند خیلی کارها از دستش بر می‌آید برای مستضعفین.  
اما بی فایده بود. اصلا به حرف‌های ما گوش نمی‌کرد، اینها ما را جزو آدم نمی‌دانند. ما را فقط هر جا تظاهرات!! باشد، توب و تانگ باشد، لازم دارند. موقع انقلاب ما بودیم و گلوله‌های رژیم. ما انقلاب کردیم به امید اینکه بعد از انقلاب وضعمان خوب بشود - بیکار نباشیم، گرسنه نباشیم. ما را هم جز آدم‌ها حساب کنند ولی حالا که انقلاب پیروز شده هیچکس به سراغ ما نمی‌آید و به گرفتاری‌هایمان رسیدگی نمی‌کنند.  
مگر شما جوانها...



امریکا، به اندازه‌ی کافی، علاقمند به برنامه‌های این کشور، برای اعمال مجازات - های اقتصادی علیه ایران هستند.  
\* رویتر (۲۴ اردیبهشت) متحدان آمریکا در اروپای غربی، با توجه به سرمایه - گزاری‌ها و قراردادهایی که در ایران دارند، بی میلی خود را به تحریم، حالی کرده‌اند، با همه‌ی اینها برای نشان دادن "یکبارچگی" خود یا واشنگتن در لحظاتی که اعتبار و حیثیتی برای سیاست خارجی کارتر نمانده است، مجبورند ظواهر را حفظ کنند.  
\* رویتر (۲۴ اردیبهشت) "مظفر نیشابوری" دیپلمات ایرانی، هماهنگ کننده‌ی خریدهای ایران در اروپا، گفته است که بسیاری از کشور - های اروپایی منحل شده بازار مشترک به ایران اطمینان داده‌اند که تحریم اقتصادی علیه ایران را نادیده خواهند گرفت.

مجارستان، در زمسه‌ی صنایع پتروشیمی، این کشور آماده است، در مورد انجام پروژه‌ی پتروشیمی سرد امام و راه - اندازی تا مرحله‌ی بهره‌برداری (که قرار بود قبلا توسط زاینی‌ها تکمیل گردد) همه - گونه کمک‌های لازم را در اختیار ایران قرار دهد.  
\* (۱۴ اردیبهشت) معین فر درباره‌ی پروژه‌ی پتروشیمی گفت: با آمادگی که مجارستان، برای انجام این پروژه اعلام کرده است، چنانچه مسئولین زاینی، به تعهدات خود عمل نکنند، دولت ایران، تصمیم نهایی را اتخاذ خواهد کرد.  
\* آوسیتدیرس (۲۳ اردیبهشت)، دولت زاین اعلام کرد، علیرغم سخت - گیری‌های فزاینده‌ی ایران، پروژه‌ی مشترک پتروشیمی ایران و زاین همچنان حمایت می‌کند.  
\* یونایتد پرسی (۲۳ اردیبهشت) - وزیر خارجه‌ی آمریکا گفت: هم‌پیمانان

ارزهای خارجی، برای خرید (فروردین) - معاوضه نامی همکاران ایران، با جکسلاواکی امضاء شد.  
\* آوسیتدیرس (۷ اردیبهشت) - یک هیئت رومانی، در ماه مارس گذشته، فرار دادی را با ایران، جهت معامله یا پایایی غله در مقابل نفت ترتیب داد.  
\* آوسیتدیرس (۷ اردیبهشت) - معین فرگفت: صادرات نفت ایران به رومانی ۶۰٪ افزایش یافت و به ۱۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است.  
\* آوسیتدیرس (۷ اردیبهشت) - کشورهای اروپای شرقی آماده‌اند در صورت بستن روابط غربی به ایالات متحده، در مجازات‌های اقتصادی علیه ایران، با ارائه مواد غذایی، دارو، کالاهای ساخته‌شده و بازاری برای نفت، به ایران کمک کنند.  
\* انقلاب اسلامی (۸ اردیبهشت) - رئیس کل بانک مرکزی ایران: کشورهای اروپای شرقی که از نظر

از علاقمندان تقاضای شود که کمک‌های مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران ربه حساب جاری شماره "۱۳۰۰ بانک صادرات شعبه ۴۵۹ واقع در بیج شیران واریز نمایند، و حواله‌ی آن را به صندوق پستی "تهران ۱۶ - شماره ۶۴/۱۵۵۱" ارسال دارند.

روزنامه "مجاهد" نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱